

روزشمار جنگ

یکشنبه

۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۹

۳ رجب ۱۴۰۰

۱۸ مهر ۱۹۸۰

۴۹۱

اجلاس وزیران امور خارجه عضو بازار مشترک اروپا با محوریت تحریم ایران امروز، با صدور بیانیه‌ای به کار خود پایان داد. وزیران امور خارجه کشورهای عضو بازار مشترک اروپا در پایان اجلاس خود در ناپل به‌طوررسمی اعلام کردند که از روز پنجشنبه (۱۳۵۹/۳/۱)، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران آغاز خواهد شد،^۱ البته تحریم‌ها، قراردادهای قبل از گروگان‌گیری را دربرنمی‌گیرد.^۲ در واقع این محدودیت‌ها به معنای تعلیق تمام قراردادهایی است که پس از چهارم نوامبر گذشته (۱۳ آبان ۱۳۵۸) با ایران منعقد شده است.^۳

در بیانیه امروز ناپل آمده است: «وزیران امور خارجه ۹ کشور بازار مشترک اروپا، امروز، در بیانیه‌ای که در ناپل انتشار دادند خاطر نشان ساختند که در اجلاس روزهای هفدهم و هجدهم ماه جاری خود در ناپل، اوضاع ناشی از بازداشت گروگان‌های امریکایی در ایران را مورد بررسی قرار داده و این بازداشت را به‌منزله تجاوزی به حقوق بین‌المللی دانسته‌اند. وزیران امور خارجه بازار مشترک اروپا همچنین گزارش‌های رسیده از ایران را مطالعه و حصول یک تحول مهم یعنی انتخابات پارلمان ایران که شاید منجر به آزادی گروگان‌ها شود را ملاحظه کرده‌اند، ولی از طرف دیگر عدم هرگونه پیشرفت در جهت آزادی گروگان‌ها را احساس می‌کنند، لذا وزیران یادشده اجرای فوری اقدامات گنجانده‌شده در قطعنامه دهم ژانویه گذشته شورای امنیت^{*} را تصویب

* در این قطعنامه که با وتوی شوروی مواجه شد، امریکا تحریم اقتصادی کامل ایران را درخواست کرده بود. به گزارش خبرگزاری فرانسه از سازمان ملل: «به‌موجب این پیشنهاد امریکا تا وقتی که همه گروگان‌های امریکایی آزاد شوند و خاک ایران را ترک کنند، باید نسبت به ایران و اتباع این کشور، مقررات تحریم اقتصادی کامل درباره فروش یا دادن هرگونه محصول و مواد اولیه به ایران به استثنای مواد غذایی و دارویی و وسایلی که کاملاً جنبه پزشکی دارند به اجرا درآید. این تحریم همچنین شامل حمل‌ونقل دریایی، زمینی، راه‌آهن و هوایی این‌گونه کالاها خواهد شد. در قطعنامه پیشنهادی امریکا، تحریم اعطای هرگونه وام و اعتبار و تسهیلات مالی به ایرانی‌ها و سازمان‌های ملی ایران پیش‌بینی شده است. امریکا در این قطعنامه همچنین از کشورهای عضو سازمان درخواست کرده است که از امضای هرگونه قراردادهای جدید

کرده‌اند که البته اجرای این اقدامات براساس شرایط و راه‌هایی که به‌طور دسته‌جمعی مشخص شده صورت خواهد گرفت. آنها همچنین تعلیق اجرای قراردادهای امضاشده با ایران از چهارم نوامبر ۱۹۷۹، یعنی تاریخ بازداشت گروگان‌ها را تصویب کرده‌اند.^۳

رادیو مونت کارلو (فرانسه) نیز در بخش عربی خود گزارش داد: «در بیانیه فوق اضافه شده است که وزیران بازار مشترک به استناد ماده ۲۲۴ معاهده رم به مشورت‌های خود ادامه خواهند داد و از تصمیم دبیرکل ملل متحد دایر بر تقاضا از ادیب الداودی عضو کمیسیون تحقیق بین‌المللی، جهت بازگشت به تهران برای ادامه تماس‌های خود با دولت ایران استقبال کرده‌اند. وزیران بازار مشترک اروپا در پایان بار دیگر پابندی خود به احترام و استقلال ایران و همچنین حق ملت ایران در تعیین سرنوشت خود را تأکید کرده‌اند.»^۴

در واکنش به این بیانیه، حسن قدیری سخنگوی سفارت ایران در رم، به جامعه اقتصادی اروپا هشدار داد که اگر اروپا دست به مجازات‌های اقتصادی علیه ایران بزند، ایران این اقدام را به‌عنوان اعلام خصومت تلقی خواهد کرد و این امر تأثیر زیادی در روابط کنونی و آینده این کشورها با ایران خواهد داشت. قدیری گفت مجازات‌های اقتصادی ما را وادار به تسلیم نخواهد کرد و درخواست ما برای استرداد شاه مخلوع تغییری نخواهد داد.^۵

علیرضا نوبری رئیس کل بانک مرکزی ایران نیز در مصاحبه‌ای در این باره اظهار کرد: گرچه این‌گونه اقدامات بعضی از عملیات‌های خارجی بانک‌ها و ترتیبات مربوط به واردات کشور را با مشکل مواجه خواهد کرد، اما در هر دو مورد یعنی چه در زمینه روابط بازرگانی خارجی کشور و چه در مورد روابط بانکی خارجی پیش‌بینی‌هایی شده و امکاناتی به وجود آورده‌ایم که مانع از لطمه‌زدن به اقتصاد ایران و ملت ایران خواهد شد. حتی اگر کشورهای بازار مشترک و ژاپن بخواهند اقدامی در زمینه مسدود کردن حساب‌های خارجی بانک مرکزی انجام دهند، که این احتمال در حال حاضر زیاد نیست، دارایی‌های بانک مرکزی در اروپا و در خارج از کشورهای بازار مشترک متجاوز از سی درصد از کل دارایی‌های خارجی ماست که از ذخائر خارجی بسیاری از کشورهایی که بیش از دو برابر ما جمعیت دارند بیشتر است. به فرض بسیار بعید حتی اگر همه کشورهای اروپا شامل کشورهای بی‌طرف اقدامی علیه ایران با مسدود کردن دارایی‌های ما انجام دهند، باز هم حدود سی درصد دیگر از دارایی‌های ما در خارج از

برای انجام برنامه‌های صنعتی ایران خودداری کنند و کشورهای عضو باید در عین حال اعضای میسیون‌های دیپلماتیک ایران را در کشورهای خود به حداقل کاهش دهند.»

به گزارش یونایتد پرس وزیر امور خارجه آمریکا امکان وتوی شوروی را با قید "به احتمال زیاد" پیش‌بینی کرده و افزوده بود: «آمریکا مجازات اقتصادی کاملی علیه ایران اعمال خواهد کرد. حتی اگر اتحاد شوروی قطعنامه شورای امنیت برای تحریم جهانی ایران را وتو کند.» وی همچنین «امکان مسدود کردن راه‌های دریایی ایران توسط ناوگان آمریکا برای پشتیبانی از مجازات اقتصادی علیه ایران را منتفی ندانست.» یادآوری می‌شود در آن شرایط، بر سر اشغال افغانستان، تحریم اقتصادی آمریکا علیه شوروی نیز در حال انجام بود. از این رو در همین گفت‌وگو، ونس اظهار کرده بود که «مجازات اقتصادی آمریکا علیه اتحاد شوروی ممکن است مدت زیادی ادامه پیدا کند.» [روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۰/۲۲، ص ۱۲]

اروپا و در نقاط امنی نگهداری می‌شود که از هرگونه اقدام خصمانه علیه ایران، مصون است.^۶ وی در این مصاحبه همچنین درباره رابطه ریال با ارز خارجی مطالبی را اعلام کرد که در مطبوعات با تیتیر درشت "رابطه ریال با دلار قطع شد" انعکاس یافت. از جمله روزنامه اطلاعات در توضیح این تیتیر نوشت: امروز رئیس کل بانک مرکزی ایران در مصاحبه‌ای قطع رابطه ریال با دلار را اعلام کرد. وی ضمن تشریح تحولات بنیانی سیاسی و اقتصادی که به دنبال انقلاب اسلامی ایران تحقق یافته، ضرورت دگرگونی در سیستم تعیین نرخ ارز در ایران را مورد تأکید قرار داد و گفت: باتوجه به این ضرورت، بانک مرکزی ایران از چندی پیش لزوم تغییر رابطه ریال با دلار و تجدیدنظر در نظام نرخ ارز ایران را شروع کرده است. از تاریخ اول خردادماه ۱۳۵۹، نرخ ریال ایران مستقیماً براساس تغییرات نرخ واحد حق برداشت مخصوص S.D.R تعیین می‌شود و براین اساس و بر مبنای نرخ ارزهای عمده واحد حق برداشت مخصوص که همه‌روزه از جانب مراجع بین‌المللی اعلام می‌گردد، نرخ ریال کلیه ارزهای عمده محاسبه و از طرف بانک مرکزی ایران رسماً اعلام می‌گردد.^۷

یادآوری می‌شود مصاحبه رئیس بانک مرکزی ایران قبل از انتشار بیانیه تحریم انجام شد و در واقع با پیش‌بینی نتیجه اجلاس این مواضع و تصمیمات اعلام گردید.

از سوی دیگر، جیمی کارتر رئیس‌جمهوری آمریکا، از تصمیم ۹ کشور اروپایی برای تحریم اقتصادی ایران اظهار رضایت کرد. وزارت امور خارجه آمریکا نیز در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که آمریکا با رضایت از تصمیم قاطع جامعه اقتصادی اروپا مبنی بر اعمال تحریم‌های اساسی علیه ایران استقبال می‌کند.^۸

۴۹۲

گزارش‌های مختلف حاکی است چالش فعلی ایران و عراق، به صورت‌هایی متنوع و حتی خارج از مرزهای دو کشور، در منطقه خود را نشان می‌دهد.

شامگاه امروز، «بمبی در یک شرکت حمل‌ونقل عراقی در بیروت منفجر گردید که خسارات فراوانی به ساختمان محل شرکت وارد آورد.»^۹ به گزارش رویتر «این انفجار که در بخش مسلمان‌نشین بیروت صورت گرفت تازه‌ترین حادثه در یک سلسله انفجارهایی بود که در ساختمان‌های مؤسسات ایرانی و عراقی در بیروت رخ داده است.» رویتر افزوده است: «از ماه گذشته تاکنون، بمب‌هایی در دفتر هواپیمایی ملی ایران، دفتر هواپیمایی عراق و مرکز تجارتهای عراق در بیروت منفجر شده است.»^{۱۰} به گفته مفسر رادیو اسرائیل، «ناظران معتقدند که این مرحله‌ای دیگر از جنگی می‌باشد که چندی است بین ایران و عراق در بیروت انجام می‌گیرد.»^{۱۱}

در این حال، روزنامه *الثوره* ارگان حزب حاکم عراق در شماره امروز خود جنبش سیاسی مذهبی امل را متهم کرد که از طرف رژیم ایران تحریک می‌شود و «نظیر دولت اسرائیل، در توطئه تقسیم لبنان براساس مذهب» شرکت می‌کند. به گزارش خبرگزاری فرانسه: «این روزنامه می‌نویسد طرح

ایران با اعزام نیرو به لبنان به بهانه ساختگی جلوگیری از خطر توسعه طلبی صهیونیسم آغاز شد و پس از آن مسئولین رژیم ایران یکی بعد از دیگری به لبنان آمدورفت کردند و آخرین آن صادق قطب‌زاده وزیر امور خارجه این کشور بود. *الثوره* می‌افزاید اکنون سازمان امل با دریافت اسلحه و مهمات به صورت یک نیروی نظامی سازمان‌یافته درآمده است. ارگان حزب بعث حاکم در عراق می‌نویسد: [امام] خمینی در لبنان سه هدف دارد: از طرفی به سازمان امل چنان وزنه سیاسی نظامی داده شود که کلیه طرف‌های ذی‌نفع و نیز سازمان آزادی‌بخش فلسطین آن را به حساب آورند و در مرحله دوم تشکیل یک دولت جدید مذهبی و بالاخره استفاده از برگ برنده لبنان در هر زمان.^{۱۲} منابع امنیتی عراق نیز از تشکیل یک سازمان سری ضدعراقی مرتبط با ایران در کویت خبر دادند. بخشنامه امروز وزارت دفاع عراق انعکاسی از این امر است که البته چاشنی تبلیغی خاص عراقی‌ها را به همراه دارد. در گزارش امروز لشکر ۹۲ زرهی به استانداری خوزستان آمده است: «وزارت دفاع عراق طی بخشنامه‌ای به کلیه یگان‌های نظامی گارد مرزی و ارتش خلق اعلام نموده است که یک شبکه ضدانقلابی مرکب از افراد کشورهای عراق، ایران، فلسطین در کویت تشکیل گردیده که هدف آن در مرحله نخست ترور صدام حسین رئیس‌جمهور و در مرحله بعد از بین بردن ارتش و ایجاد هرج و مرج در عراق می‌باشد. در این بخشنامه از کلیه فرماندهان خواسته شده است که به عناصر اطلاعاتی خود هوشیاری لازم را داده که سریعاً کلیه افراد شبکه مزبور شناسایی شده و دستگیر گردند.»^{۱۳}

از سوی دیگر، اجلاس وزیران امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی نیز عرصه تقابل دو کشور ایران و عراق است، علاوه بر اقدامات و مواضع رسمی دیپلماتیک، شکوائیه رانده‌شدگان عراقی بخشی از این تقابل را نشان می‌دهد. روزنامه *انقلاب اسلامی* گزارش داد: عراقی‌های تبعیدی در نامه‌ای به کنفرانس اسلامی پاکستان خواست‌های خود را مطرح کردند. در این نامه آمده است: «به نام ۳۴ هزار عراقی مسلمان تبعیدی که به جمهوری اسلامی ایران تبعید شده‌اند با شما سخن می‌گوییم و گمان نمی‌کنم که مصیبت بزرگ ۳۴ هزار نفر تبعیدی بی‌گناه که از شهر و خانه و زندگانی خود تبعید شده‌اند نظر شما را جلب نکند. این ۳۴ هزار نفر که از عراق بدون هیچ‌گناهی تبعید شده‌اند، ایرانی نیستند. اینها غالباً عراقی اصیل هستند، که آبا و اجداد آنها در سرزمین عراق زندگانی کرده‌اند و یقیناً برای شما هیچ اشکالی ندارد اگر چند نفری را از طرف کنفرانس برای بازدید اردوگاه‌های ما در جمهوری اسلامی ایران بفرستید تا از نزدیک از مدارکی که ما داریم و عراقی بودن ما را ثابت می‌کنند اطمینان حاصل کنند. ... اموال منقول و غیرمنقول ما را چگونه مصادره کرده‌اند ما را تا هشت کیلومتر [ی] مرزهای ایران به وسیله بارکش‌های ارتش رساندند و از آنجا با پای پیاده زن و بچه و پیر و جوان به سمت مرزهای ایران رفتیم و در این بین تعدادی از زن‌ها و بچه‌ها و افراد مریض و بی‌گناه مردند. ... بیش از ۲ هزار نفر از جوانان ما را حزب بعث تحت نظر نگاه داشته است و غالباً خانواده‌ها یک یا دو جوان یا بیشتر در داخل عراق زندانی دارند. آنچه بیشتر موجب تأسف و تأثر ماست، سکوت دستگاه‌های تبلیغاتی جهانی و اسلامی و عربی است که از مصیبت

۳۴ هزار مسلمان عرب هیچ بادی نمی‌کند و این مصیبت کم‌نظیر را کاملاً نادیده گرفته‌اند. شاید برای ما قابل قبول باشد که دستگاه‌های تبلیغاتی آشکارا چنین سکوتی را پیش گیرند، ولی رادیو و دستگاه‌های ارتباط جمعی جهان اسلام و جهان عرب برای چه؟ آقایان وزرای محترم، ما در این نامه از شما به نام اسلام... می‌خواهیم که مسئله ۳۴ هزار مسلمان عراقی را جدی تلقی کنید.»^{۱۴}

۴۹۳

فعالیت عراق در مناطق مرزی ایران به دو صورت اقدامات ایذایی توسط عوامل داخلی و نیز تحرکات نظامی امروز هم ادامه یافت.

یک خبر برون‌مرزی حاکی است: «بنا به دستور رژیم بعثی عراق قرار است کلیه ایرانیانی را که از ایران فرار نموده و در حال حاضر در پادگان‌های استقبال آن کشور اسکان داده شده‌اند، به‌منظور فراگیری جنگ‌های چریکی و طرز استفاده از جنگ‌افزارهای مختلف و همچنین دیدن دوره‌های خرابکاری به پادگان‌ها و مراکز نظامی در استان سلیمانیه اعزام گردند.»^{۱۵}

در یک تلفن‌گرام هشدارآمیز از ستاد مشترک نیز اعلام شد: «به‌قرار اطلاع، دولت بعث عراق به عده‌ای از مهاجمین ایرانی که در عراق به سر می‌برند مأموریت داده که مزارع گندم و سایر محصولات منطقه ذهاب و بشویه و احیاناً دشت کرند غرب را به‌طور کلی به آتش بکشند، لیکن تاریخ اجرای این کار هنوز معین نشده است، ضمناً به‌طوری که شنیده شده تعداد زیادی گربه جمع‌آوری و قرار بر این است که با بستن گوی‌های نمدی به گربه‌ها و آغشته‌نمودن آنها به بنزین و آتش‌زدن آنها گربه‌ها را به داخل مزارع رها نموده تا محصولات را به آتش بکشند.»^{۱۶}

در کرمانشاه، پیش‌ازظهر امروز، یک بار دیگر مین‌گذاری جاده‌ها قربانی گرفت. براساس گزارش اطلاعات سپاه، «در مسیر گرده‌نو - ازگله، در منطقه دارزن‌گنه، به‌علت برخورد با مین یک دستگاه ماشین خاور منفجر شد و دو نفر از سرنشینان من جمله راننده ماشین کشته و ۲ نفر دیگر زخمی شدند.»^{۱۷}

در همین حال، در بخشی از گزارش خبرنگار روزنامه *انقلاب اسلامی* در مورد خرمشهر آمده است: «چندین شب متوالی است که هواپیماهای ناشناس بر فراز آسمان خرمشهر و آبادان پرواز می‌کنند و پاسداران و نیروهای ارتش که در مرز مستقر هستند به روی آنها آتش می‌کشند. این هواپیماها که گفته می‌شود از نوع جنگنده‌های میراژ هستند در ارتفاع زیاد پرواز می‌کنند و آزادانه اوضاع و نقل‌وانتقالات ارتش و پادگان‌ها و مراکز مهم این دو شهر را ارزیابی می‌کنند باوجوداینکه پایگاه هوایی وحدتی دزفول اعلام کرده است ظرف مدت سه دقیقه قادر است برای مقابله با هواپیماهای خارجی به پرواز درآیند، اما معلوم نیست در چند شب گذشته، چرا اقدامی انجام نداده‌اند.

براساس همین گزارش، تهاجم هواپیماهای ناشناس در ساعت ۴:۲۰ دقیقه بامداد، انجام می‌گیرد.»^{۱۸} در اروندرود نیز گزارش‌های گارد ساحلی ایران از احداث سنگرهای بتونی متعدد از جمله سنگر

ضدهوایی، سنگر برای نصب دوربین و نیز احداث جاده خاکی جدید بین فاو و بصره، حکایت می‌کند.^{۱۹}

علاوه بر این، در جزیره مینو، قایق‌های گشتی عراق اقداماتی تحریک‌کننده انجام می‌دهند. در گزارش مرزبانی خرمشهر، نمونه‌ای از این‌گونه اقدامات که مربوط به امروز می‌باشد، چنین بازگو شده است: «سرنشینان قایق گشتی عراق در جزیره مینو به سواحل ایران نزدیک شده و به مأمورین مستقر در جزیره مینو فحاشی و توهین نموده و متواری می‌گردند.»^{۲۰*}

۴۹۴

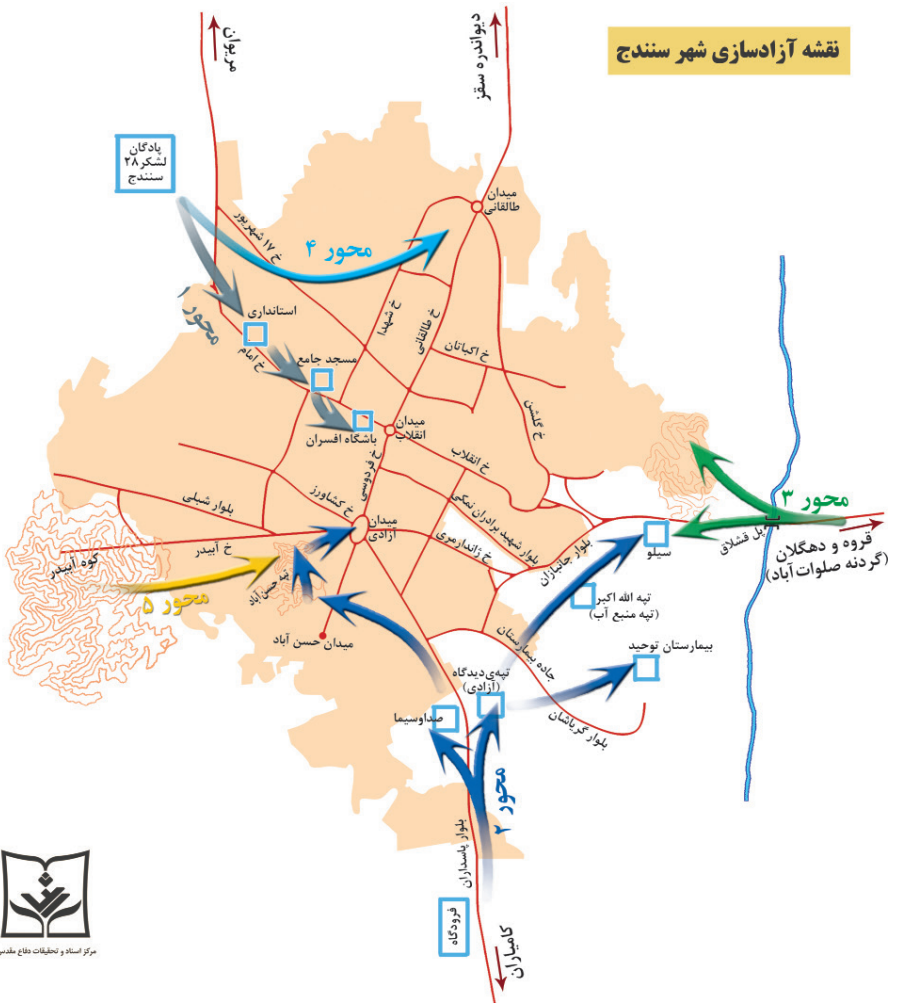
سنندج از سیطره گروه‌های مسلح غیرقانونی خارج شده، اما هنوز ذیل حاکمیت نظام قرار ندارد و تلاش برای عادی شدن اوضاع شهر هم در جنبه‌های اجتماعی و عمومی و هم در جنبه نظامی، ادامه دارد. گزارش خبرنگاران روزنامه *انقلاب اسلامی* درباره وضعیت امروز سنندج چنین است: «سنندج کاملاً آرام است و تنها شب‌ها فرودگاه این شهر مورد حمله مهاجمین قرار می‌گیرد. ادارات، مدارس و بیشتر مغازه‌ها همچنان تعطیل است. به گزارش خبرنگاران اعزامی ما از سنندج طی سه شب گذشته، مهاجمین چندین بار فرودگاه سنندج را زیر آتش خمپاره گرفتند که باعث شهادت و مجروح شدن ۶ سرباز و درجه‌دار گردید. براساس آخرین اطلاع رسیده از ستاد عملیاتی سپاه پاسداران مستقر در سنندج، شهربانی این شهر امروز، خلع سلاح و منحل خواهد شد و یکی از مسئولین سپاه در این مورد به خبرنگار ما گفت شهربانی سنندج در درگیری‌های اخیر این شهر نقش خنثی داشت و کاری انجام نداده است. براساس همین گزارش امروز، ۳۱ نفر از دختران جوانی که طی درگیری‌های اخیر دستگیر شده‌اند برای محاکمه به تهران اعزام خواهند شد. در میان این دختران جوان تعداد زیادی غیربومی شناسایی شده‌اند. نکته قابل توجه اینکه فریده قریشی یکی از اعضای مؤثر کادر مرکزی سازمان چریک‌های فدایی خلق شاخه کردستان در بین دستگیرشدگان است.»^{۲۱**}

اما در گزارشی دیگر وضع مغازه‌ها به گونه‌ای متفاوت توصیف و به جنبه‌های دیگری نیز پرداخته شده است و این نشان می‌دهد خبرنگاران مختلف برای گزارش به دامنه محدود مشاهدات خود متکی هستند. در این گزارش آمده است: «شهر سنندج آرام بود و اکثر قریب به اتفاق مغازه‌های شهر باز و مردم رفت‌وآمد عادی خود را داشتند. افراد سپاه و ارتش در اکثر نقاط شهر مستقر است و شهر را کاملاً تحت کنترل خود دارند و از سویی پاک‌سازی شهر همچنان ادامه دارد و

* این‌گونه برخوردها اتفاقی نیست و کاملاً برنامه‌ریزی شده است. چند روز بعد هم «گشتی‌های عراقی در نوار مرز پاسگاه حدود ضمن توهین به گشتی‌ها و انقلاب اسلامی ایران مبادرت به شلیک دو تیر هوایی می‌کنند که برادران پاسدار نیز با یک تیر هوایی پاسخ‌گویی می‌نمایند.» فرمانده ژاندارمری ذیل گزارش این حادثه به وزارت امور خارجه افزوده است: «دستور داده شده درمورد اعمال خلاف مأمورین عراقی به مرزبان مقابل اعتراض گردد.» [سند شماره ۳۴۰۳۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران (اداره مرزبانی) به وزارت امور خارجه (اداره اول سیاسی)، [۱۳۵۹/۳/۱۱]

** خبر دستگیری فریده قریشی بعداً در مطبوعات تکذیب شد.

نقشه آزادسازی شهر سندیج



مرکز اسناد و تحلیلات دفاع بلدیس

امور و ورود و خروج افراد از سنندج کاملاً کنترل می‌شود. نیروهای ارتش مواضع خود را در اطراف شهر تقویت کرده و آرامش کامل در شهر برقرار است.^{۲۲}

از سوی دیگر، گزارش نشریه کار حاکی است: «در اطراف سنندج جنگ هنوز ادامه دارد، در طول شب نیز درگیری‌ها در شهر شدت می‌یابد. مردم شهر به‌ویژه زنان از تفتیش خانه‌ها به‌وسیله پاسداران جلوگیری می‌کنند.»^{۲۳} در گزارش ارتش نیز درباره وضع امروز سنندج آمده است: «پاک‌سازی در شهر به‌وسیله سپاه پاسداران و نیروهای ارتشی همچنان ادامه دارد و در شب مورخه ۱۳۵۹/۲/۲۸، تیراندازی‌ها پراکنده و چند شلیک خمپاره به‌طرف فرودگاه صورت گرفته که با آتش متقابل دفع شده است.»^{۲۴}

گزارش‌های ارتش همچنین از وجود ناامنی جدی در اطراف سنندج حکایت دارد؛ براساس این گزارش‌ها «حدود ۱۰۰۰ نفر از گروه‌های مسلح در گردنه مروارید و ۱۵۰ نفر در سه‌راهی دهگلان مستقر و کلیه رفت‌وآمدها را تحت کنترل داشته و افراد نظامی را به گروگان می‌گیرند.» و نیز: «برابر اطلاع واصله، استوار یکم صالح باغبانی که در گروگان افراد مهاجم بوده روز ۱۳۵۹/۲/۲۸، شهید گردیده است.» همچنین: «گزارش ژاندارمری حاکی است که حدود ۷۰ نفر از گروه‌های مسلح به پاسگاه دزلی حمله نمودند که در نتیجه مقاومت عناصر ژاندارمری ۲ نفر از افراد مزبور کشته شده‌اند.»^{۲۵}

در این حال تلاش برای رفع نابسامانی‌های اجتماعی و عمومی ادامه دارد. تلفن‌گرام ساعت ۱۲:۰۵ امروز عباس دوزدو زانی فرمانده سپاه به ستاد مشترک ارتش، گوشه‌ای از این تلاش را نشان می‌دهد. در این تلفن‌گرام آمده است: «درخواست می‌شود جهت ترابری ۹ تن مواد غذایی از تهران به سنندج به‌وسیله یک فروند هواپیمای سی ۱۳۰ اقدامات لازم در ظرف روز جاری، صورت گیرد. کلیه موارد قبل از ساعت ۱۶ در پایگاه یکم شکاری آماده بارگیری می‌باشد.»^{۲۶}

دیگر ارگان‌ها نیز در این زمینه فعال‌اند، از جمله ارسال کمک‌های دارویی و غذایی جمعیت شیروخورشید سرخ به شهر سنندج ادامه دارد. به گزارش جمعیت شیروخورشید سرخ کرمانشاه، تاکنون علاوه بر ارسال دارو و نیازهای درمانی و پزشکی، ۱۶ تن مواد غذایی برای توزیع بین اهالی سنندج حمل و به جمعیت شیروخورشید سرخ این شهر تحویل داده شده است. همچنین صبح امروز، یک تیم هشت نفره از امدادگران به سرپرستی مسئول امداد جمعیت شیروخورشید سرخ کرمانشاه برای خدمت‌رسانی هرچه بیشتر در امور درمانی و رفاهی عازم شهر سنندج شد.^{۲۷} لشکر ۲۸ سنندج نیز که در ستاد هماهنگی امداد سپاه و ارتش بالطبع فعال است امروز، به اقدام دیگری برای عادی‌سازی اوضاع شهر دست زد و «کلیه رؤسای ادارات به لشکر احضار و از آنان خواسته شد که در روز ۱۳۵۹/۲/۲۹، تمام ادارات را دایر نمایند.»^{۲۸}

۴۹۵

روند حوادث سندج، علاوه بر منطقه در سطح ملی نیز فضایی متفاوت با قبل ایجاد کرده است. تبعات و بازتاب حوادث این شهر حاوی نکات قابل ملاحظه‌ای است که نمونه‌هایی از آن در ادامه آمده است. امروز در مدرسه عالی شهید مطهری (مسجد سپهسالار سابق واقع در میدان بهارستان تهران)، جمعیتی انبوه و بسیار خشمگین در مراسم تشییع جنازه ۲۵ تن از شهدای کردستان شرکت کردند.* در گزارش روزنامه



حضور مردم در مدرسه عالی شهید مطهری (مسجد سپهسالار سابق) برای تشییع ۲۵ تن از شهدای کردستان

جمهوری اسلامی از این مراسم آمده است: «دوزدوزانی فرمانده سپاه پاسداران طی سخنانی گفت ما در آغاز از ملت رشید ایران عذرخواهی می‌کنیم که تاکنون نسبت به مسئله کردستان کوتاهی شده است و قول می‌دهیم که از این پس تکرار نشود. ما اینجا به همه تصمیم‌گیرندگان و سران کشور که تاکنون کوتاهی نموده‌اند اخطار می‌کنیم که اگر از این پس در مورد اقدامات

اصلاحی و انقلابی کوتاهی کنند و انقلابی عمل نمایند، ما افراد سپاه پاسداران تا آخرین نفر و آخرین قطره خون در مقابل ضدانقلابیون و عمالشان پایداری خواهیم کرد.»^{۲۹}

امروز همچنین سرگرد مصطفی ملاحیدر به‌عنوان مسئول جمع‌آوری اجساد شهدای سندج در مصاحبه با روزنامه اطلاعات اسامی ۱۸ نفر از شهدایی که به پزشکی قانونی تهران منتقل شده‌اند را اعلام کرد. وی همچنین خبر داد جسد ۸ شهید گمنام (مجهول‌الهویه) به پزشکی قانونی انتقال یافته است. ملاحیدر گفت: ۳۰ الی ۴۰ جنازه دیگر که در سندج جمع‌آوری شده به‌زودی به تهران انتقال داده خواهد شد.^{۳۰} در میان اجساد شهدای موجود در پزشکی قانونی که ملاحیدر از آنها نام برد، ۲ تن از فرماندهان ستون اعزامی که در اواخر فروردین ماه مورد هجوم مسلحانه قرار گرفته بود، وجود دارد. این دو تن ستوان یکم مصطفی یداللهی و سرهنگ ایرج نصرت‌زاد بودند که به‌اتفاق دو افسر دیگر از لشکر ۲۸، مسئولیت اعزام ستون مزبور را برعهده داشتند. در گزارش مندرج در روزنامه اطلاعات شهادت نصرت‌زاد که در حمله غافلگیرانه به ستون مزبور و به‌نحوی دردناک رخ داده

* نگارنده خود شاهد صحنه بوده است.

است از زبان ملاحیدر چنین توصیف شده است: «در این عملیات ۴ تن از برادران ارتشی شهید و سرهنگ نصرت‌زاد از ناحیه ران چپ مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و مجروح می‌شود. ... مهاجمین وی را به اسارت گرفتند و او را با خود به پایگاهشان بردند. ... علائم و مشخصاتی که روی بدن شهید سرهنگ نصرت‌زاد باقی مانده است، نشان می‌دهد، هنگامی که سرهنگ نصرت‌زاد در زندان مهاجمین اسیر بود، مهاجمین او را به شدیدترین وجه ممکن شکنجه کرده‌اند، به طوری که گردن، فک و شانه شهید زیر لگد خرد شده است. ...» سرگرد ملاحیدر افزود: در آخرین لحظات جانبازی درحالی که از هرسو او را هدف رگبار مسلسل قرار داده بودند، وی از طریق بی‌سیم این پیام را برای پرسنل لشکر ۲۸ فرستاد: «من سرهنگ ستاد ایرج نصرت‌زاد، به علت زخمی شدن و جراحات وارده در آخرین لحظات عمر سربازی خویش نکاتی را برای هم‌زمان بازگو می‌نمایم: من سرهنگ ستاد ایرج نصرت‌زاد، جانم فدای ایران، درود به رهبر انقلاب، جاوید باد ارتش جمهوری اسلامی ایران، زنده باد فرماندهان گردان تیپ یک. خداحافظان. نصرت‌زاد»^{۳۱}

در کنار این‌گونه بازتاب‌ها، گروه‌های دست‌اندرکار درگیری مسلحانه سنندج نیز بیکار نیستند، ولی حوزه مانور آنها به دلیل مراقبت‌ها، محدود و اغلب با اقداماتی ناموفق همراه است. به‌عنوان مثال در گزارشی از سرپرست سپاه تایباد آمده است: «یکشنبه ۲۸ اردیبهشت، طی مجوزی که معاون فرمانداری تایباد (ن.ب)** ضدانقلاب که همدست فداییان خلق است به آنها داده بود برای نمایشگاه عکس عزالدین حسینی و کشته‌های ترکمن صحرا و کردستان که بنا بود با این کار احساسات مردم را علیه سپاه پاسداران و دیگر ارگان‌های انقلابی تحریک کنند سپاه دخالت کرده و نمایشگاه برچیده شد.»^{۳۲}

این اطلاعیه نیز امروز، ازسوی وزارت کشور صادر شد: «هرگونه تجمع سیاسی گروه‌ها [با] عناوینی نظیر یادبود شهدای کردستان در دانشگاه تهران بدون مجوز از طرف وزارت کشور می‌باشد و تظاهراتی که از طرف برخی از گروه‌های سیاسی برای روز دوشنبه ۱۳۵۹/۲/۲۹، اعلام شده است غیرقانونی است. بر مردم آگاه و مبارز تهران است که به‌منظور جلوگیری از توطئه‌ها و درگیری‌های اجتماعی و هماهنگی با قوای انتظامی از شرکت در این تظاهرات جداً خودداری کنند.»^{۳۳}

یادآوری می‌شود ساعت ۶:۴۰ امروز، وزارت کشور به سپاه با قید "جهت پشتیبانی" اعلام کرد: «طبق اطلاع واصله چند دستگاه اتوبوس حامل افراد کومه‌له و فدائی برای مراسم فردا ۱۳۵۹/۲/۲۹، در دانشگاه از مهاباد وارد تهران شده‌اند، ساعت حرکت پنج و نیم صبح بوده است. مراتب جهت هماهنگی و اقدامات قاطع اعلام می‌گردد.»^{۳۴}

تبعات ناشی از وضع سنندج بسیار گسترده است و راه‌های جدیدی در مناسبات کادرها و هواداران نظام با گروه‌های درگیر گشوده است. به‌طورمثال روزنامه *اطلاعات* امروز، گزارش داد: «ازسوی آیت‌الله صادق خلخالی درزمینه انتخابات شهرستان مهاباد اطلاعیه‌ای صادر شد. در قسمتی

* ضمیمه دارد؛ مطالبی درباره سرهنگ ایرج نصرت‌زاد یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در مقطع آغازین درگیری‌های سنندج.

** در سند نام کامل آمده است.

از این اطلاعیه با اشاره به جو حاکم بر شرایط انتخاباتی مهاباد آمده است: انتخابات مهاباد تحت فشار و اختناق فداییان خلق، کومه‌له، و دمکرات‌ها صورت گرفته و ۸۵ درصد کردستان و اطراف مهاباد که مسلمان و معتقد به دین و دیانت می‌باشند، نتوانستند در انتخابات شرکت کنند. روی این اصل انتخاب آقای غنی بلوریان از نظر اینجانب باطل می‌باشد و ایشان حق ورود به مجلس را ندارند. در اطلاعیه آیت‌الله خلخالی همچنین گفته شده [است]: آقای غنی بلوریان در عملیات کشت‌و‌کشتار سپاه پاسداران و ارتشیان در سردشت و بانه با فاروق کیخسروی و سایر سران کومه‌له و فداییان خلق شرکت داشته و از نظر دادگاه‌های انقلاب مجرم درجه یک می‌باشد و مانند قاسملو و عزالدین و جلال‌الدین باید به کیفر اعمال خود برسد. آقای غنی بلوریان با ساواک همکاری می‌کرده و پس از خروج از زندان آلت دست آنان در مهاباد بود و گزارشات سری برای آنها رد می‌کرد. این شخص با سابقه ضد خلق و ضد اسلام و همکاری با ساواک و شرکت در قتل نمی‌تواند به مجلس راه یابد.^{۳۵*}

۴۹۶

از آثار و تبعات جنگ اخیر سندج، مطرح‌شدن قضیه‌ای درمورد ارتش است که می‌تواند با عوارض منفی شدیدی در روند مثبت بازسازی و شکل‌گیری نیروهای مسلح در نظام جدید همراه باشد و آن برخورد جدی و قاطع با مسئله نفوذ گروه‌های درگیر در ارتش است.

بعد از گزارش روز گذشته روزنامه *انقلاب اسلامی* مبنی بر دستگیری ۳۸ تن از نظامیان خائن در قضیه سندج، امروز نیز این روزنامه به نقل از خبرنگار خود در اصفهان گزارش داد: ۱۵ نفر از پرسنل هوانیروز اصفهان به اتهام اغتشاش و تحریک پرسنل پایگاه دستگیر و در دادگاه ویژه نظامیان محاکمه شدند.^{۳۶}

روزنامه *جمهوری اسلامی* نیز ضمن درج این خبر، در ذیل مصاحبه‌ای با فخرالدین حجازی، با عنوان "فخرالدین حجازی جزئیات ترمذ بعضی از خلبان‌ها را بیان داشت" آورده است: «متأسفانه معلوم شد که برخی عناصر چپ توسط بعضی از پرسنل در داخل پایگاه نفوذ کرده و ناراحتی‌ها و تشنجاتی به وجود آوردند. ... ابتدا به عنوان اینکه به مسائل حقوقی و استخدامی آنها رسیدگی شود، ستوان‌یارها و بعضی دیگر پرسنل را در سالنی جمع کردند و مسائل رفاهی را پیش کشیده

* آیت‌الله خلخالی در عرصه‌های متنوع و متفاوتی فعال است و از نمادهای بارز وضعیت دوگانه (جنبشی - ساختاری) کنونی است. وی عضو قوه مقننه در دست تأسیس و عضو مؤثر قوه قضائیه است. خلخالی طبعاً با محافل روحانی نیز مرتبط است. نوع رابطه بنی‌صدر با وی و نیز سمت وی در زمینه مبارزه با مواد مخدر، خود عرصه‌ای نامعلوم و پیچیده است. آخرین وضعیت وی در عرصه مبارزه با مواد مخدر در رسانه‌های داخلی و خارجی، موضوعی مورد بحث است. روزنامه *بامداد* با عنوان "آیت‌الله خلخالی به مبارزه با مواد مخدر ادامه خواهد داد" نوشت: آیت‌الله خلخالی در گفت‌وگو با خبرگزاری پارس «درمورد آن قسمت از سخنانش در روزنامه *دیلی تلگراف* که استعفایش از ستاد مبارزه با مواد مخدر یک تاکتیک بوده زیرا امام خمینی با استعفای وی مخالفت خواهد کرد، گفت یک استعفای واقعی بوده ولی آقای بنی‌صدر رئیس‌جمهوری از قبول آن استعفا امتناع نموده است. بنابراین وی همچنان در سمت سرپرست ستاد مبارزه با مواد مخدر و قاضی محاکمات انجام وظیفه خواهد کرد.» [روزنامه *بامداد*، ۱۳۵۹/۲/۲۷، ص ۱۲]

بودند، ولی بعد جو سالن را به کلی عوض کرده و عده‌ای روی صندلی‌ها ایستاده و می‌گفتند ما به کردستان نمی‌رویم و حاضر به برادرکشی نیستیم و اطاعت کورکورانه را نمی‌پذیریم و موجب شد که بعضی از خلبان‌ها از دستور فرماندهان تمرد کردند و چون موقعیت نامناسبی پیش آمده بود و بعضی می‌گفتند کسی باید بیاید و مسئله را برای ما توجیه کند، این بود که دوستان احساس کردند که من به اصفهان بیایم و من این کار را کرده و محاکمه متهمان را بررسی کردم و متأسفانه به این نتیجه رسیدیم که بعضی از فداییان خلق ارتباطی با گروهی اندک از پرسنل پیدا کرده‌اند من جمله یکی از اعضای پرسنل هوانیروز که دارای یک چادر دکه‌مانندی در خارج شهر بوده از آن چادر با فداییان خلق ارتباط داشته و اعلامیه‌های آنها را می‌گرفته و در داخل پایگاه پخش می‌کردند. ...»

آقای حجازی در جواب پرسش خبرنگار درمورد وضعیت داخلی هوانیروز و کلاً نیروهای مسلح در حال حاضر، گفت: «من سخنان مفصلی را ایراد نمودم و آنها را از آنچه که در کردستان می‌گذرد، آگاه کردم و گفتم که در کردستان هم عوامل کمونیسم و هم صهیونیسم و باقیمانده ارتجاع طاغوتی سابق حضور دارند، بنابراین جنگ ما یک جنگ برون‌مرزی است و ما برادران مسلمان کرد را نمی‌کشیم، بلکه خائنین که در لباس کردی هستند را نابود می‌کنیم. بنابراین انقلاب ما در مخاطره است و ما باید با تمام نیرو با آنها بجنگیم و ارتش باید پیشاپیش حرکت کند و با قربانی‌هایی که داد رسالت خودش را نشان داده و محبوبیت فراوانی در نزد امام و امت کسب کرده است و من اضافه کردم که هیچ‌گونه مذاکراتی نباید با دشمن صورت گیرد بلکه باید به سرعت پیش برویم و آنها را تا درون مرز عراق تعقیب کنیم و خوشبختانه دیدیم که تمام ارتشیان با فریادهای بسیار نیرومند اعلام همکاری کردند.»^{۳۷}

۴۹۷

امروز، علاوه‌بر بانه که در وضع شدیداً بحرانی قرار دارد و در واقع در همان وضعیت قبل به سر می‌برد^{۳۸} و پاوه که وخامت اوضاع در آن بیشتر از دیگر نقاط است، در برخی نقاط دیگر غرب کشور از جمله کامیاران، باینگان و مریوان نیز تحرکات ایذایی ادامه یافت. علاوه‌بر این قسمت‌هایی از آذربایجان غربی مثل نقده و بخش‌هایی از ارومیه هم ناآرام بود.

گزارش واصله در ساعت ۲۲:۳۰ به دفتر ریاست جمهوری مستند به گزارش هنگ ژاندارمری سقز حاکی است: «در حال حاضر، در جاده‌های سردشت و سقز و آبادی بوئین خودروهای زیادی به سوی شهر بانه در حرکت‌اند ضدانقلابیون با خمپاره ۱۲۰ میلی‌متری و موشک ۳/۵ اینچ و اسلحه سبک به شدت به پادگان [بانه] تیراندازی می‌نمایند.»^{۳۹}

از سوی دیگر «در ساعت ۴ صبح روز جاری، در ارتفاعات جنوبی پاوه بین مهاجمین و نیروهای انقلابی (سپاهیان پاسدار و پیشمرگان کرد مسلمان) درگیری ایجاد شد. ۴۰ ابعاد درگیری وسعت یافت تاجایی که در ساعت ۱۳:۱۰، سپاه کرمانشاه در تلفن‌گرمای به تهران اعلام کرد:

«وضعیت پاوه در حال حاضر خطرناک است و راه‌های ارتباطی قطع و جاده‌ها ناامن هستند. از همه طرف شهر را زیر آتش گرفته‌اند و تقاضای هلیکوپتر شده است که اطراف پاوه کوبیده شوند مخصوصاً ارتفاعات را. ضمناً هوانیروز از لحاظ هلیکوپتر و هواپیما به ما کمک نمی‌کند، قبلاً باز یک تلفن در اختیار می‌گذاشتند، ولی حالا می‌گویند باید از تهران دستور بگیرند.»^{۴۱*}

در ساعت ۱۵:۱۰، مرکز فرماندهی سپاه به ستاد مشترک پیام داد: «وضعیت پاوه بسیار خطرناک می‌باشد، تمام راه‌های ارتباطی قطع و جاده‌ها مملو از ضدانقلاب است، شهر پاوه از همه طرف کوبیده می‌شود. درخواست هلیکوپتر جهت کوبیدن ارتفاعات گردیده است.»^{۴۲} در ساعت ۱۷:۱۵ ستاد مشترک به نیروی زمینی ابلاغ کرد: «دستور فرمایید ۱. یگان‌های مستقر در پاوه چگونگی وضعیت پاوه را سریعاً گزارش نمایند. ۲. در مورد درخواست سپاه پاسداران اقدام به‌موقع به عمل آورید.»^{۴۳}

در ساعت ۱۹:۲۵، ژاندارمری به دفتر ریاست جمهوری و ریاست ستاد مشترک و وزارت کشور، ضمن گزارش مختصر شروع درگیری از ساعت ۴ صبح، یادآوری کرد «واحدهای مستقر در پاوه نیز با آتش پشتیبانی نیروهای درگیر را تقویت نموده‌اند. ... [و] درگیری هنوز ادامه دارد.»^{۴۴}

در کامیاران، بمبی در دبیرستان شبانه‌روزی این شهر منفجر گردید که تلفات جانی نداشت، اما شدت انفجار به‌حدی بود که قسمتی از ساختمان این دبیرستان خراب شد و تمامی شیشه‌های آن شکست.^{۴۵}

حدود نیمه‌شب، به دفتر ریاست جمهوری خبر رسید که «با پشتیبانی واحدهای نظامی نیروهای انقلابی موفق شدند جنوب و شمال باینگان را تصرف نمایند. شایع شده تعدادی از مهاجمین کشته شده‌اند.»^{۴۶}

در مریوان، ساعت ۴ بامداد امروز، «مهاجمین به تپه‌های شمال پادگان مریوان حمله نمود[ه] که با به‌جا گذاشتن یک کشته و ۲ زخمی در ساعت ۸ همان‌روز درگیری خاتمه یافته است.»^{۴۷}

در این حال امروز، امام جمعه مریوان به‌اتفاق شخصی به نام رستمی به عراق رفت. شهربانی کرمانشاه فرد مزبور را «امین بیگ رستمی فئودال مریوان که بعد از انقلاب با حزب کومه‌له همکاری دارد» معرفی کرده است.^{۴۸}

در نرده، به گزارش ژاندارمری، «مهاجمین از تپه دیدبان حوزه نرده به طرف پاسگاه بچندلو تیراندازی [کردند] مأمورین به آنان پاسخ داده‌اند این درگیری تلفات نداشته است.»^{۴۹} این حمله ساعت ۳ بامداد، انجام شد.

گزارش ژاندارمری در مورد ارومیه نیز حاکی است: «حدود ۲۰۰ نفر از افراد حزب دمکرات به سرپرستی ملارسول از بلندی‌های اطراف به پایگاه گروهان پاک‌سازی ارومیه تیراندازی [کردند که] متقابلاً نیز به آنان پاسخ [داده شد این درگیری] تلفات جانی نداشته [است].»^{۵۰}

در ارومیه همچنین ساعت ۲۳:۱۵ شب گذشته، عده زیادی از مهاجمان به پایگاه دزگیر

* طبق هامش سند، به اطلاع ستاد مشترک رسید.

حمله کردند. به گزارش ژاندارمری، مهاجمان از اشرار و نیروهای حزب دمکرات بودند. بنا بر این گزارش، درگیری تا ۵ بامداد امروز، ادامه یافت و درطول آن «۲ نفر از مهاجمین کشته و ۶ نفر زخمی شدند و تعدادی اسلحه شامل تفنگ ۵۷، ژ ۳، کلت کمری و نارنجک همراه با مهمات مربوطه از مهاجمین به غنیمت گرفته شد.» روابط عمومی ژاندارمری تعداد مهاجمان را در مطبوعات ۶۰۰ تن اعلام کرده است.^{۵۱}

۴۹۸

در مسئله گروگان‌های قطور که در اسفندماه گذشته رخ داده بود، امروز، تحول عمده‌ای صورت گرفت. گزارش امروز فرماندهی ژاندارمری حاکی است که روز گذشته، از ۱۳ نفر گروگان واقعه قطور، ۱۰ نفر آزاد شده‌اند. در این گزارش ضمن درج اسامی آزادشدگان آمده است: «بدون هیچ‌گونه قید و شرط آزاد شدند و سروان مقدسی فرمانده عملیاتی قطور پرسنل مذکور را پس از رهایی به پاسگاه تحویل نموده است.» در ادامه اضافه شده است: «با نگرش به اینکه هیچ‌گونه تعهدی درمورد آزادی گروگان‌ها به اکراد داده نشده و اکراد با حسن نیت از دستور تمکین نموده‌اند ایجاب می‌نماید برای جلب اعتماد آنان آقای ملاحمید شجاعی که از طرف لشکر ۶۴ ارومیه دستگیر [شده است]، در قبال این حسن نیت اکراد در هرکجا که به سر می‌برد ظرف ۲۴ ساعت، در اختیار ستون عملیاتی هنگ ژاندارمری ماکو مستقر در خوی قرار داده شود که به خانواده‌اش تحویل گردد تا بتوان هدف‌های آتی را قدم‌به‌قدم به مرحله اجرا گذاشت. ضمناً ۳ نفر از گروگان‌ها به اسامی ۱. آقای کوچری فرماندار خوی ۲. آقای رحیمی منشی فرماندار ۳. ستوان دوم قلی نوسی تاکنون آزاد نشده‌اند که اقداماتی درمورد رهایی آنان در جریان است.

ضمن به استحضار رسانیدن موارد فوق چون مسئله حائز اهمیت و ملت ایران هنوز به انتظار تعیین تکلیف این گروگان‌ها و آخرین وضعیت آنان می‌باشند، ایجاب می‌نماید برای اثبات حسن نیت دولت و تشویق و ترغیب عناصری که از دستورات تمکین و پیش‌قدم می‌شوند ظرف امشب، در اخبار رسانه‌های گروهی و رادیو تلویزیون آزادی تعداد ۱۰ نفر مشروحه بالا درج و به آگاهی ملت ایران برسد.»^{۵۲}

انعکاس این خبر درست برعکس پیشنهاد تحلیلی یادشده، انجام گرفت. روزنامه انقلاب اسلامی از آزادی «۱۰ نفر از ۱۳ نفری که ۶۹ روز قبل به وسیله مهاجمین به گروگان گرفته شده بودند» خبر داد و در ادامه نوشت: «معاون سیاسی استانداری آذربایجان غربی و نیز سرپرست فرمانداری خوی در تماس‌های جداگانه‌ای با خبرگزاری پارس ضمن تأیید این خبر گفتند ۳ تن دیگر از گروگان‌ها که یکی از آنان فرماندار خوی می‌باشد اکنون آزاد نشده‌اند. ارتش برای آزادی این ۳ تن و اجرای برنامه‌های خود در منطقه قطور به اشرار و ضدانقلابیون مهلت بسیار کوتاهی داده است و در پایان این مهلت نسبت به اجرای برنامه‌های خود اقدام خواهد کرد.»^{۵۳}

۴۹۹

با اینکه مسئله سندج، موضوع کردستان را در رأس توجهات و حساسیت‌های عامه قرار داده است، هنوز مسئله دانشگاه‌ها نیز از مسائل روز است.
نشریه پیام جبهه ملی (ارگان جبهه ملی ایران) در شماره امروز خود مخالفت شدید خود را با تعطیلی دانشگاه‌ها اعلام کرد.^{۵۴}

از سوی دیگر، بنا بر گزارش مندرج در شماره امروز روزنامه انقلاب اسلامی، از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جامعه اسلامی دانشگاهیان، دفتر تحکیم وحدت (انجمن‌های اسلامی و سازمان‌های دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور) و جماعت تحکیم وحدت طلاب و دانشجویان در حوزه علمیه قم، اطلاعیه‌ای انتشار یافت که در آن آمده است: اساسی‌ترین مشخصه انقلاب اسلامی بعد مکتبی و فرهنگی آن و اصیل‌ترین سرفصل انقلاب طبق تصریح امام ۱۹ دی ۱۳۵۶، همان روزی است که پیوند روحانی - دانشجویی با خون امضا شد. اینک هم‌زمان با مطرح شدن انقلاب فرهنگی، در حوزه علمیه قم مجامع مشترکی با دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها تحت عنوان "حوزه، دانشگاه، انقلاب فرهنگی" از روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه به مدت سه روز، برگزار خواهد شد. در این برنامه‌ها طلاب حوزه‌های علمیه میزبان دانشجویان عزیز خواهند بود. باشد که این حرکت فتح بابی در طریق وحدت اسلامی و اصیل دو قشر روحانی و دانشگاهی بوده و بدین طریق این دو پایگاه فرهنگی و فکری جامعه طبق آرزوی دیرینه امام و امت به وحدت در جهت تحقیق و تبلیغ مکتب انسان‌ساز اسلام نائل آیند. جزئیات برنامه در اطلاعیه بعدی اعلام خواهد شد.^{۵۵}

۵۰۰

شماره امروز نشریه رنجبر (ارگان حزب رنجبران ایران) مطلبی در نقد مخالفان بنی‌صدر در جناح‌بندی کنونی درج کرده که در آن آمده است: «انحصارطلبی اکنون با به‌دست آوردن درصد قابل توجهی از آرای مجلس دل خوش کرده و به همین علت تن به همکاری و وحدت نمی‌دهد. گرایش انحصارطلبی به جای پندگرفتن همچنان تنگ‌نظر باقی می‌ماند و تا آنجا پیش می‌رود که تنها فراکسیون خود را در خط امام می‌داند و حتی حاضر است برای توجیه خود تنها کمتر از نیمی از شرکت‌کنندگان در انتخابات مجلس را در خط امام قلمداد کند، اما تن به وحدت بزرگ‌تر ندهد.»^{۵۶}
یادآوری می‌شود در وضعیت کنونی که گروه‌های کمونیستی در برخورد با نظام از تنوع مشی برخوردارند، گروه‌های مائوئیستی به دو دسته عمده قابل تقسیم‌اند: دسته اول در برخورد با نظام مشی مسلحانه را انتخاب کرده‌اند، گروه شاخص این دسته کومه‌له است. در مرحله بعد سازمان‌پیکار در راه آزادی طبقه کارگر قرار می‌گیرد که فقط در کردستان دست به سلاح برده است و در دیگر نقاط گونه‌ای آنارشیسیم خصمانه بروز می‌دهد. دسته دوم گروه‌های مائوئیستی، جریانی است که مانند حزب توده مشی مسالمت‌آمیز را برگزیده است، اما در جناح‌بندی کنونی نظام برخلاف حزب توده خود را به

جریان بنی صدر نزدیک نشان می‌دهد. این جریان شامل چندین گروه از جمله سازمان انقلابی (منشعب از حزب توده و گروه عدالت) است که بعد از انقلاب در قالب تشکیلاتی حزب رنجبران متمرکز شده‌اند. مطلب یادشده نمونه‌ای از موضع‌گیری‌های مختلف این گروه درباره جناح‌بندی کنونی است. جهت‌گیری دیگر این گروه علیه سایر گروه‌های کمونیستی غیرچینی به‌خصوص حزب توده است. نشریه عدالت ارگان یکی از گروه‌های تشکیل‌دهنده حزب رنجبران، در آخرین شماره خود تحت عنوان "کبوتر با کبوتر باز با باز" به‌طور تلویحی سازمان مجاهدین خلق را روسی خوانده و به سرزنش شدید مطرح‌کنندگان مسعود رجوی در انتخابات پرداخته است. بخشی از این مطلب چنین است: «حزب توده که ستون پنجم امپریالیسم روسیه در ایران است به چه جهاتی یا کدامین مجموعه مصالحی از آقای رجوی در انتخابات پشتیبانی کرده است یا سازمان چریک‌های فدائی که هدف خود را سرنگونی جمهوری اسلامی قرار داده‌اند چه وجه تشابهی در آقای رجوی دیده‌اند یا حزب کمونیست کارگران و دهقانان که علناً دشمنی سازش‌ناپذیر خود را با رهبر انقلاب اعلام کرده است به چه دلیل از آقای رجوی حمایت کرده‌اند. در این شکی نیست که گروه‌های وابسته‌ای نظیر حزب توده تحت‌عنوان تاکتیک از هیچ عملی روی گردان نیستند، ولی زمانی که خود مجاهدین در ارگان خود روزنامه مجاهد، اعلامیه حزب توده را مبنی بر پشتیبانی از رجوی چاپ می‌کند دیگر نمی‌توان ادعا کرد که این تاکتیک حزب توده برای خدشه‌دار کردن چهره انقلابی و مستقل آقای رجوی است. شمایی که به‌خاطر یک پشتیبانی خشک و خالی نوکران روس بخشی از روزنامه خود را به حزب توده می‌بخشید، اگر مملکت در دست شما بود به ازای این پشتیبانی آیا بخشی از مملکت را به آنان نمی‌بخشید؟»^{۵۷}

گروه‌های دیگری نیز وجود دارند که از نظر انتخاب تاکتیک و مشی بین دسته اول (سازمان پیکار و دسته دوم (حزب رنجبران) در نوسان‌اند و البته وزن چندانی هم در جناح‌بندی گروه‌های فعال امروز ندارند. یک گزارش مندرج در شماره امروز رنجبر اشاره‌ای به این امر دارد: "کمیتة نبرد" یکی از گروه‌های کوچک خط سه که پس از انقلاب با پخش شب‌نامه به فعالیت پرداخته بود اخیراً پیوستن خود را به سازمان رزمندگان راه آزادی طبقه کارگر اعلام کرد. همچنین بخشی از گروه کوچک‌تر "مبارزین آزادی خلق ایران" نیز که اخیراً خود چند دسته شده است به رزمندگان پیوستند. این گروه‌ها عمل خود را در ایجاد یکی از قطب‌های ایدئولوژیک در جنبش کمونیستی ایران برای پیشبرد امر مبارزه ایدئولوژیک با بقیه، دستیابی به تئوری انقلابی و وحدت با یکدیگر دانستند.^{۵۸}

منطقه سمیرم در استان اصفهان، با حضور مجدد ناصرخان و خسروخان قشقایی در منطقه، به‌سمت وضعیت بحرانی پیش می‌رود. انتخاب خسرو قشقایی برای نمایندگی مجلس نه‌تنها از اختلافات میان وی با مسئولان نظام نکاسته است، بلکه روزبه‌روز به‌خصوص در برخورد با سپاه و نیروهای مذهبی انقلابی

منطقه - که نوعی گرایش چپ ضدخانگی و ضدفئودالی دارند - این وضعیت حدت بیشتری می‌یابد. در پیام امروز فرماندهی سپاه اصفهان به فرماندهی سپاه در تهران، آمده است: «پیرو پیام... ۱۳۵۹/۲/۱۸* و مذاکرات قبلی جهت پیش‌بینی درگیری در پادگان سمیرم مدتی است که خان‌های منطقه در کوه‌های اطراف سپاه سنگربندی کرده و با مردم و سپاه درگیر که در نتیجه ۲ نفر از برادران زخمی شده‌اند. هرچه سریع‌تر اقدامات لازم جهت کنترل و سرکوبی ناصرخان و خسروخان قشقایی و اطرافیانشان به‌خصوص حسین خان زکی‌پور به عمل آید.»^{۵۹}

ساعتی بعد مسئول تدارکات سپاه اصفهان، پیرو پیام مذکور پیام دیگری بدین شرح به تهران ارسال کرد: «پیرو پیام شماره... [قبلی] درگیری در پادگان سمیرم نیاز مبرمی به ۵ دستگاه سیم‌رغ و انت از نوع بلند جهت حرکت در کوهستان و ضمناً با کمبود اسلحه و مهمات روبه‌رو می‌باشیم. با سرهنگ فروزان تماس حاصل شد و صورت نیازمندی‌ها به ایشان داده شد و قول همکاری دادند. خواهشمند است هرچه سریع‌تر صورت مزبور را تأیید [کنید] تا اقدام گردد.»^{۶۰}

۵۰۲

از صبح امروز، هم‌اندیشی سه‌روزه کمیته‌های سراسر کشور با حضور آیت‌الله مهدوی کنی سرپرست کمیته مرکزی و تیمسار ظهیرنژاد فرمانده ژاندارمری و سرپرست ستاد بسیج ملی، کار خود را آغاز کرد.^{**} برنامه سه‌روزه این هم‌اندیشی، «بررسی و هماهنگی کار کمیته‌های سراسر کشور با سایر ارگان‌های انقلابی و دیگر نهادها» اعلام شده است. ضمناً قرار است در مورد مشکلات و نارسایی موجود در کمیته‌ها بحث و گفت‌وگو شود^{۶۱} و طرح احتمالی ادغام کمیته‌ها و کلانتری‌ها مورد بررسی قرار گیرد.^{۶۲} در اولین روز گردهمایی، آیت‌الله مهدوی کنی سرپرست وزارت کشور و سرپرست کمیته مرکزی، در سخنانی بر ضرورت اطاعت کمیته‌ها از کمیته مرکزی و تبعیت نیروهای کمیته از سیاست‌های کلی دولت تأکید کرد و به طرح نقایص و انتقادات کنونی و نیز راه‌حل‌های مورد نظر و در نهایت چشم‌انداز آینده پرداخت. وی گفت: «چرا کمیته‌ها اشکالاتی که در کارشان هست

* به پیام مزبور در روزشمار ۱۳۵۹/۲/۱۸، اشاره شده است.

** با فروپاشی نهادهای نظامی و انتظامی رژیم گذشته در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، در تمام محلات تهران کمیته‌های انقلاب به طور خودجوش تشکیل شد. نظر به اینکه مساجد عمده‌ترین و عام‌ترین مراکز برپایی تظاهرات در دوران انقلاب بود، کمیته‌های مزبور به‌طور طبیعی در مساجد شکل گرفت و به تناسب توانایی روحانی مسجد و کادرهای انقلابی محل، کمیته مربوط وسعت و قوت پیدا کرد. هم‌زمان با بازسازی شهربانی و ژاندارمری و ارتش ایفای نقش کمیته‌ها ادامه یافت، ولی به تدریج به سمت نظم و انضباط بیشتر پیش رفت. در ادامه، برخی نارسایی‌ها و اقدامات خودسرانه عناصر کمیته، انتقاداتی را موجب شد و نیز رشد روزافزون سپاه و تحرک آن در جنبه‌های مختلف، موجب ایجاد فضایی شد که پیشنهاد انحلال یا ادغام کمیته‌ها را به‌طور جدی مطرح می‌کرد. به‌خصوص بی‌تجربگی برخی روحانیون مسئول در کمیته‌ها و متقابلاً هنر تشکیلاتی و تبلیغاتی گروه‌های مخالف، صحنه‌هایی ایجاد می‌کرد که قابل دفاع نبود. با وجود این مشکلات ضرورت تداوم بقای کمیته‌ها، امری بدیهی بود؛ بنابراین بایستی برای اصلاح نقایص آن کار می‌شد. هم‌اندیشی سه‌روزه کنونی اقدامی در این مسیر و برای رسیدن به این هدف است.

نباید بپذیرند؟ چرا ما حاضر نیستیم عیب‌های خود را بپذیریم؟ من به برادران روحانی خود عرض می‌کنم که قدری به خود بیایند تا شاید کارها درست شود؛ چراکه عمل ما به‌نحوی بوده است که این موضوع منشأ سوءاستفاده دشمن شده است.^{۶۳} وی یادآور شد: «ما باید با جوانان و فکر نسل جوان تا حدودی تفاهم داشته باشیم، در غیر این صورت نمی‌توان به‌زور جوانان را به مسجد کشاند. جوان کار می‌خواهد و اگر به او کار ندهیم می‌رود دنبال کارهای دیگر.»^{۶۴}

آیت‌الله مهدوی کنی افزود: «درمورد آینده کمیته‌ها هم بسته به نحوه کارکرد شماست. شما اگر خوب کار کنید، مردم شما را ننگه خواهند داشت و برای ادامه کار کمیته‌ها این مراکز باید سازماندهی جدیدی پیدا کند، باید افراد آموزش سیاسی نظامی و پلیسی ببینند و مؤدب باشند و عملشان باید برای مردم نمونه باشد.»^{۶۵}

سرپرست وزارت کشور همچنین گفت: «وقتی که به فلان مأمور می‌گوید بروید جلوی گروگان‌گیری در کارخانه را بگیرید، می‌گوید نخیر ما با کارگر مبارزه نمی‌کنیم آقا شما مبارزه با توطئه می‌کنید نه با کارگر و این توطئه علیه کارگر است. آن وقت به آن آقای پاسدار می‌گوییم تعطیل کارخانه نه به‌خاطر احقاق حق آن کارگر است، بلکه به‌خاطر تعطیل شدن کارهای تولیدی و صنعتی این مملکت است و در اثر خراب شدن اینها ما زمینه‌های یک کودتای استبدادی را فراهم بکنیم مثلاً شبلی و پس فردا که ملت ما کار نداشت بعد ناگزیر همه دستشان را دراز می‌کنند و می‌گوید دوباره محمدرضا برگردد. آیا می‌خواهید زمینه این فراهم بشود. اینکه ما داد می‌زنیم این است نه اینکه ما طرف‌داری از سرمایه می‌کنیم.»^{۶۶}

وی اضافه کرد: «تازمانی که افراد و گروه‌ها سلاح در دست دارند نمی‌توان کمیته‌ها را منحل کرد.»^{۶۷}

آیت‌الله مهدوی کنی افزود: «جریانات اخیر نشان داد که این‌طور نیست که کمیته‌ها جمع شوند و امام فرمودند کمیته‌ها باید باشند. تازمانی که افراد غیر و دشمن مسلح هستند، نباید ملت مسلمان را خلع سلاح کرد.»^{۶۸}

سرپرست کمیته مرکزی سپس با بیان اینکه «در پیامی که فیدل کاسترو برای من توسط دکتر یزدی فرستاد گفته است شما چگونه می‌خواهید کمیته‌ها را جمع کنی، ما اکنون پس از ۱۱ سال کمیته‌های انقلابی را جمع نکردیم»،^{۶۹} تأکید کرد: «باتوجه به اینکه در قانون اساسی اشاره‌ای به کمیته‌ها نشده است دوام کمیته‌ها با وضعی که دارند امکان‌پذیر نیست، لذا ما در صدد هستیم که فکری به‌حال کمیته‌ها کنیم و با تشکیل این سمینار راه‌حلی برای بهبود بیشتر آن ارائه دهیم.»^{۷۰}

در پایان، آیت‌الله مهدوی کنی گفت از سوی رئیس‌جمهور و دیگران پیشنهادهایی درمورد کمیته‌ها داده شده است که در قالب سه پیشنهاد کلی بررسی خواهد شد.^{۷۱}

رضا اصفهانی معاون وزارت کشاورزی، در یک مصاحبه مطبوعاتی درمورد مسائل کشاورزی نظیر آب، وام و غیره مطالبی را بیان کرد. مهم‌ترین مسئله مورد بحث وی، بالطبع متناسب با حساسیت‌های روز، موضوع معروف به "بند ج" بود. بند ج، یکی از بندهای چهارگانه مربوط به

تقسیم‌بندی زمین‌های کشاورزی است که در طرح موسوم به اصلاحات ارضی اسلامی، بعد از انقلاب وجود دارد و راجع به آن اختلافات شرعی و غیرشرعی عدیده‌ای مطرح و دامن زده شده است. بخش‌هایی از گزارش روزنامه اطلاعات از مصاحبه وی بدین شرح است:

«رضا اصفهانی درباره رعایت جنبه‌های اسلامی در طرح اصلاحات ارضی گفت اصولاً این طرح همان‌طور که اطلاع دارید به‌خاطر انقلابی‌بودنش با یک سلسله مخالفت‌های زیاد مواجه شد، این مخالفت‌ها نشان می‌داد که چقدر فتوادل‌ها نسبت به منافع خودشان احساس خطر کرده بودند. فتوادل‌ها سعی کردند با زدن برچسب کمونیستی به طرح، موانعی بر سر راه اجرای آن ایجاد کنند غافل از آنکه طرح با توجه به نظرات عالی‌ه اسلام و با همفکری مدرسین بزرگ حوزه علمیه قم همچون آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مشکینی تهیه شده و همچنین در شورای انقلاب که ارگان قانونی مورد تأیید امام است به تصویب رسیده است که مخالفت با طرح مخالفت با دولت محسوب می‌شود. وی افزود: علاوه‌براین در هیئت‌های اجراکننده طرح نماینده حاکم شرع حضور دارد تا بر اجرای صحیح و اسلامی طرح نظارت کند. رضا اصفهانی یادآور شد: زیر این طرح قبل از تصویب در شورای انقلاب توسط آیت‌الله منتظری، آیت‌الله مشکینی و دکتر بهشتی به‌عنوان تأیید، امضا شده و اجرای آن بلامانع تشخیص داده شده است. بنابراین چنین طرحی نمی‌تواند غیراسلامی باشد.» در ادامه گزارش روزنامه آمده است: «رضا اصفهانی درمورد زمین‌هایی که مشمول تقسیم اراضی خواهد شد، گفت این زمین‌ها به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱. زمین‌های موات و مراتع ۲. زمین‌های مصادره‌شده ۳. زمین‌های بایر ۴. زمین‌های دایر. وی افزود زمین‌های نوع اول و نوع دوم متعلق به دولت جمهوری اسلامی است و دولت با رعایت مصالح جامعه و حدود و نیاز و توانایی اشخاص این زمین‌ها را تقسیم خواهد کرد. درمورد اراضی بایر دولت با رعایت ضوابطی به صاحبان آنها اولویت می‌دهد تا به عمران آن بپردازند و اگر اقدام نکردند، زمین‌ها را در اختیار خود می‌گیرد و بین دهقانان واجد شرایط تقسیم می‌کند. و اما در زمین‌های دایر، اگر مالک خود شخصاً به کار کشاورزی مشغول باشد، تا سه برابر مقداری که در عرف محل برای تأمین زندگی کشاورز و خانواده او لازم است زمین در اختیار او می‌ماند و اگر شخصاً به کشاورزی در آنها اشتغال ندارد و مبلغ درآمد دیگر کافی برای تأمین زندگی خود و خانواده‌اش ندارد تا دو برابر مقدار مزبور در اختیار او می‌ماند و در غیر این صورت، کلیه زمین‌های او مشمول تقسیم خواهند شد. رضا اصفهانی اضافه کرد در تقسیم اراضی دایر بهای زمین‌های مازاد که مشمول تقسیم می‌شوند پس از کسر بدهی‌های مالک به بیت‌المال پرداخت خواهد شد که این بدهی‌ها با در نظر گرفتن این مسائل محاسبه می‌شود اول اینکه مالک حقوق مردم را به صورت فردی ضایع نکرده باشد، دوم اینکه حقوق گروهی [را] فدای منافع فردی خود نکرده باشد و همچنین موجب زیان برای عده‌ای نشده باشد. رضا اصفهانی یادآور شد با در نظر گرفتن مسئله عرف محل در طرح اصلاحات ارضی، بزرگ مالکی از بین خواهد رفت. وی گفت در عرف محل زمین بزرگ به زمینی گفته می‌شود که سه برابر زمینی باشد که کشاورز و

خانواده‌اش برای رفع نیازهای خود و خانواده با توجه به محیط زندگی احتیاج دارد.»
 روزنامه اطلاعات افزوده است: «رضا اصفهانی در مورد هیئت‌های هفت نفری گفت اولاً بر اجرای اصلاحات ارضی یک ستاد مرکزی که در تهران تشکیل می‌شود نظارت خواهد کرد که این ستاد از افراد زیر تشکیل شده است: ۱. یک نماینده تام‌الاختیار [وزارت] کشاورزی ۲. یک نماینده تام‌الاختیار وزارت کشور ۳. یک نماینده تام‌الاختیار جهاد سازندگی ۴. یک نماینده تام‌الاختیار دادگستری ۵. حاکم شرع... رضا اصفهانی یادآور شد هم‌اکنون هیئت‌های هفت نفری در بیشتر استان‌ها تشکیل شده و تقسیم زمین آغاز شده است. وی افزود این طرح هشتاد درصد وی [رضا اصفهانی] را راضی می‌کند و با طرح اولیه تفاوت‌هایی دارد و تغییراتی در طرح داده شده است... رضا اصفهانی گفت: لایحه اصلاحات ارضی اسلامی که جایگزین لایحه احیای اراضی دولت موقت شده است، جنبه قانونی دارد و با دقت و قاطعیت به اجرا گذاشته خواهد شد.»^{۲۲}

۵۰۴

اعضای شورای فرماندهی سپاه پاسداران امروز، در منطقه دربند تهران با امام خمینی ملاقات کردند. امام خمینی درباره آنچه به عنوان کودتا* این روزها شایع است با بی‌اعتنایی برخورد کردند و آن را در صورت وقوع هم بی‌اهمیت و ناموفق شمرده و توضیح دادند که مقدمه یک کودتای موفق این است که ملت خواب بوده یا نظیر افغانستان دولتی مخالف مردم باشد. متن کامل سخنان امام خمینی بدین شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

با قاطعیت باید عمل کرد، هیچ‌کس نباید اظهار یأس کند، هرکس اظهار یأس کند نمی‌داند ایران در چه وضعی است. انقلاب ما با کودتا فرق دارد، ایران مثل افغانستان نیست. مردم ایران باید بدانند که حتی فکر کودتا در مغز احدی امکان ندارد وارد شود، زیرا به محض اینکه این خیال در سرش بیاید اول خودش نابود می‌شود. مگر ملت ما خواب است؟ کودتا مقدماتی می‌خواهد که یکی از آنها خواب بودن ملت است و دیگر اینکه ارتشی می‌خواهد که آلت دست باشد، نه ارتش ایران که اکثریت قریب به اتفاقش همراه و هم‌دل ملت است. با چهار نفر مخالف که نمی‌شود کودتا کرد. این از شایعات دشمن است و عده‌ای هم ساده‌اند و گول خورده‌اند. ملت ما تمام خائنین رژیم سابق را به جزایش رسانده و آنها را بیرون کردند، اگر کسی در ذهنش این مسئله بیاید، ملت ما با چنگ و دندان آنان را خرد می‌کنند.

الحمد لله ارتش و سپاه و ملت همه باهم اجازه نمی‌دهند که کسی علیه خودشان قیام کند، سی و پنج میلیون جمعیت است. به حرف‌های ابلهانه عده‌ای که در اتاق‌های در بسته حرف می‌زنند، گوش ندهید. من اطمینان می‌دهم که این ملت آسیب‌پذیر نیست. روزی سفیر شوروی آمد پیش من و گفت افغانستان از ما کمک خواسته است و ما می‌خواهیم وارد افغانستان شویم، من گفتم البته می‌شود افغانستان را

* ضمیمه دارد؛ بروزهایی از شیوع خبرهای مربوط به کودتا در داخل و خارج کشور.

گرفت، ولی بدانید که نمی‌توانید دوام بیاورید. تا ملت چیزی را نخواهد نمی‌شود کاری کرد. حالا فهمیده‌اند، ولی پایشان گیر کرده است و مسئله همان‌طور که من گفتم خواهد شد. دولت افغانستان غاصب است و موافق خارجی‌هاست و مخالف مردم است، ولی در ایران دولت و ملت و ارتش و سپاه همه‌وهمه از هم می‌باشند. امریکا آمدن و نظامی پیاده‌کردن همان، مردم آنان را از بین بردن همان. و اکنون هم باید بدانند که قضیه ایران غیر از افغانستان است، در ایران همه مردم با هم هم‌صدا هستند. در هر صورت من از ارتش و سپاه و ژاندارمری تشکر می‌کنم و امیدوارم همه شما با هم همکاری کنید و بدانید که اگر شهید بشوید موفقید، و اگر هم بر دشمن پیروز بشوید، موفقید. این سرّ پیروزی صدر اسلام است. دشمنان شما نمی‌توانند این چنین فکر کنند، چون جانشان را دوست دارند و دنبال مال و غنیمت هستند. لشکر روم و ایران را عده‌ای از اهل ایمان با سلاح‌های شکسته و با تجهیزات کمشان و تعداد قلیلشان شکست داده‌اند. ان‌شاءالله موفق و مؤید باشید.»^{۷۳*}

۵۰۵

امام خمینی به دلیل بیماری قلبی از قم به تهران انتقال یافته بودند، اما پس از بهبود، به علت کثرت مراجعات دولتمردان و ضرورت‌های ناشی از وضعیت خاص کنونی، اقامت ایشان در تهران و دخالت در اموری که قبلاً گمان می‌رفت در سیر عادی جلو خواهد رفت، امری ناگزیر شد.

امام بعد از مدتی اقامت در خانه‌ای در منطقه دربند، در ساعت ۱۰ امشب، به خانه‌ای در جماران واقع در جنب حسینیه جماران، نقل مکان کردند. گزارش خبرنگار کیهان در این باره چنین است: در ساعت ۱۰ امشب، «امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران به اقامتگاه جدید خویش که منزل بسیار کوچک و ساده‌ای در جماران است، نقل مکان کردند. در مسیر راه مردم جماران که بی‌صبرانه انتظار امام امت را داشتند با فریاد درود بر خمینی و الله‌اکبر مقدم رهبر انقلاب را گرامی داشتند و در چندین محل قربانی کردند. رهبر انقلاب پس از ورود به اقامتگاه جدید و کمی استراحت به حسینیه مجاور اقامتگاه رفتند و مستقبلین را مورد تفقد قرار دادند. در این مراسم حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها نماینده مجلس شورای ملی، ضمن

* در بازتاب سخنان امروز امام خمینی، روز بعد بخش فارسی رادیو لندن از قول خبرنگار خود، تحلیلی را پخش کرد که در آن آمده است: «بالاترین مقام کشور با رد کردن امکان کودتا به شایعات مربوط به آن وجه‌های داده است. در جراید گزارش‌هایی [راجع] به تجاوز به قلمرو هوایی ایران- فرودگاه‌های سری امریکایی حضور دشمن در تمام مرزها منتشر شده است. در تهران انفجار بمب صورت می‌گیرد. در خوزستان خرابکاری ادامه دارد، سفارتخانه ایران در لندن اشغال می‌شود. در کردستان آتش جنگ شعله‌ور است. مقامات ایرانی این رویدادها را زیر سر جاسوس‌های امریکایی، عمال عراق، پشتیبانان آخرین نخست‌وزیر رژیم شاه یعنی شاپور بختیار و ضدانقلابیون می‌دانند. اعضای یک گروه اسلامی افراطی اعلامیه‌هایی بین مردم توزیع کرده‌اند و در آن توضیح داده‌اند که در صورت کودتا چه باید بکنند. این اعلامیه‌ها وارد جزئیات مفصلی شده‌اند. حتی پرزیدنت بنی‌صدر گفته است که او خبر دارد که ۹۶ تن از عمال امریکایی به داخل ایران رخنه کردند و اضافه کرد که اگر اتفاقی بیفتد مقصر را ارتش

ندانید.» [خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۶۲، ۱۳۵۹/۲/۳۰، ص ۱۲، بخش فارسی رادیو لندن، ۱۳۵۹/۲/۲۹] یادآوری می‌شود بی‌بی‌سی به اعلامیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی درباره کودتا اشاره دارد که روز ۱۳۵۹/۲/۲۴ منتشر شد.

خوشامد به امام خمینی، گفت: ... با اینکه به نظر من اقامتگاه قبلی با همه نیاز مبرمی که به آن محل بود، محلی ساده و چیزی بیش از حد معمول نبود و به اصطلاح امروز منزل طاغوتی نبود، ولی باز هم معلم بزرگ انقلابمان و رهبرمان باتوجه به اینکه بسیاری از افراد ملت ما هنوز مسکن لازم به حد نیاز را ندارند، بسیاری از فرزندان ایشان در زاغه‌ها، حلبی‌آبادها و در حصیرآبادها زندگی می‌کنند، حضرت امام نمی‌توانستند در آن منزل زندگی کنند، تأکید فرمودند که باید حتماً منزلی با حداقل امکان و بسیار معمولی باشد، ... لذا این منزل تهیه شد.»^{۷۴}

بخش‌هایی از اولین سخنرانی امام خمینی در حسینیه جماران بدین شرح است: «من مدتی است که به این نزدیکی با عزیزان و دوستانم مواجه نشده‌ام و امشب، بسیار مسرور هستم که با برادران و خواهران خودم در اینجا مواجهم. من از زحمت اهالی این محل جماران تشکر می‌کنم که زحمت زیادی کشیدند، در صورتی که من خدمتی به آنها نکردم. امیدوارم خداوند همه آنها را از همه بلیات حفظ کند و از شر شیاطین



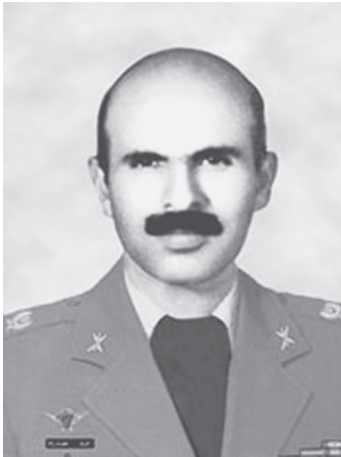
محل اقامت جدید امام خمینی در جنب حسینیه جماران
حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها: معلم بزرگ انقلابمان تأکید فرمودند باید حتماً منزلی با حداقل امکان و معمولی باشد، لذا این منزل تهیه شد.

خصوصاً شیطان بزرگ حفظ کند. ... چنانچه گفته می‌شود که دولت آمریکا می‌خواهد نظامی بیاورد و این مملکت را به خاک و خون بکشد، باور نکنید اولاً و ثانیاً اگر بیاید، خواهد سزای خودش را ببیند. ما از محاصرات اقتصادی و محاصرات نظامی و دخالت‌های نظامی ابرقدرت‌ها نمی‌ترسیم.»^{۷۵}

امام خمینی در بخش دیگری از سخنانشان گفتند: «تکلیف ما این است که در مقابل ظلم‌ها بایستیم، تکلیف ما این است که با ظلم‌ها مبارزه کنیم، معارضه کنیم، اگر توانستیم آنها را به عقب برانیم که بهتر، و اگر نتوانستیم به تکلیف خودمان عمل کردیم. این‌طور نیست که ما خوف این را داشته باشیم که شکست بخوریم. اولاً که شکست نمی‌خوریم، خدا با ماست و ثانیاً، بر فرض اینکه شکست صوری بخوریم شکست معنوی نمی‌خوریم و پیروزی معنوی با اسلام است، با مسلمین است، با ماست.»^{۷۶}

ضمیمه گزارش ۴۹۵: مطالبی درباره سرهنگ ایرج نصرت‌زاد یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در مقطع آغازین درگیری‌های سندج

در زمان حرکت ستون اعزامی به سندج در اواخر فروردین ۱۳۵۹ که با اقدام گروه‌های مسلح غیرقانونی به‌ویژه کومه‌له به آغازی برای جنگ در سندج تبدیل شد، سرهنگ ایرج نصرت‌زاد فرمانده تیپ ۱ لشکر ۲۸



حضور پررنگ و تأثیرگذار ایرج نصرت‌زاد،
در مقطع آغازین درگیری‌های سندج

سندج بود. آنچه سرگرد ملاحیدر هم‌قطار نصرت‌زاد گفت و در متن گزارش آمد، شاید ظاهراً کمی اغراق‌آمیز به نظر بیاید، اما در واقع قضیه نصرت‌زاد فراتر از آنچه ذکر شد با مضامینی چون شجاعت، ایثار، شکنجه، مظلومیت و قهرمانی همراه است. در کتاب ۲۲ روز حماسه و ایثار در سندج که نه به همت ارتشی‌ها بلکه به قلم یک سپاهی، مجید نداف، نوشته شده حضور نصرت‌زاد بسیار پررنگ و برای ذهن خواننده غیرقابل عبور است. مواردی از این حضور و تأثیر شگرف، به نقل از کتاب یادشده در اینجا ذکر می‌شود:

«در فضایی آکنده از تبلیغات و جنگ روانی گروه‌ها علیه فرمانده لشکر ۲۸ و تلاش مؤثر آنها در مرعوب‌ساختن وی و فرمانده ستون متوقف‌شده، نصرت‌زاد داوطلبانه پیش‌قدم شد تا ستون را تحت فرماندهی و هدایت خود به حرکت درآورد. بنابراین جناب سرهنگ نصرت‌زاد مأموریت یافت که راهی برای عبور ستون از کنار سندج (بدون ورود به شهر) شناسایی کند. نامبرده با عناصر خود به شناسایی ادامه داد و راه خاکی کنار رودخانه قشلاق را که به سه‌راهی سقز منتهی می‌شود و تأسیسات سد قشلاق نیز در حوالی آن محور بود، پیشنهاد کرد. سه‌راهی سقز و تأسیسات سد قشلاق توسط گردان ۱۱۶ تیپ ۱ حفاظت می‌شد. شب که سرهنگ

نصرت‌زاد از آخرین شناسایی خود مراجعت کرده بود، هوا سرد بود، در اتاق فرمانده لشکر مشغول گرم‌کردن خود به وسیله بخاری علاءالدین بود. او که با پوتین به داخل نهر آب رفته بود جوراب‌ها و مقداری از شلوارش خیس شده بود. از این رو مشغول خشک‌کردن آنها بود و مرتب تأکید می‌کرد که فردا تکلیف را یکسره خواهیم کرد و هرطور شده ستون را از همین راهی که شناسایی شده عبور خواهیم داد. از صحبت‌ها و حرکات نامبرده تصمیم و اراده قوی مشهود بود.»^{۷۷}

در بخش دیگری از این کتاب آمده است: «نصرت‌زاد فرمانده تیپ یکم از لشکر ۲۸ کردستان بود که تاکنون چندبار فراتر از حیطه مسئولیت خویش ظاهر شده بود. در زمانی که بسیاری از افسران غیرداوطلبانه و بالاجبار در ناحیه کردنشین ایران حضور پیدا می‌کردند او داوطلبانه هم‌زمان با ورود چهل نفر دیگر از نظامیان انقلابی پا در صحنه خونین کردستان گذاشت و همواره در کانون توجهات خودی و دشمن قرار داشت. غیرت و شرافت او در لابه‌لای سطوری که قاتلان او تقریر کرده‌اند شفاف‌تر و بیش از این سطور نمایان است. اگرچه عمق کینه مهاجمان مسلح نسبت به او بسیار زیاد و به این دلیل بود که او در شرایط حساس مجبور به دخالت داوطلبانه در تعاملات سازش‌کارانه نمایندگان دولت گردیده، بدون واهمه و بی‌پروا سلسله‌مراتب را پشت‌سر می‌گذاشت و رشته‌های خیانت به منافع ملی را پنبه می‌ساخت. ... او پس از چهار روز ممانعت گسترده از ستون‌کشی نظامی توسط گروه‌ها زمینه‌ای فراهم ساخت تا سندج، بلکه کردستان ایران از بحران خارج شود. معلوم نبود با همه شداید و ضعف و قوت‌های معمول در روز یکشنبه ۱۳۵۹/۱/۳۱، غیر از آنچه رخ داد چه اتفاقی می‌افتاد، ولی قدر مسلم به لحاظ ترافیک مذاکرات و بده‌بستان‌های سیاسی هیچ آمیدی به حل مسالمت‌آمیز توأم با حفظ کبان نظام نبود. جمهوری اسلامی خطرات زیادی را پیش رو داشت. اقدام داوطلبانه نصرت‌زاد موجب شد قبل از تحکیم و توسعه کامل حاکمیت مارکسیستی توسط گروه‌ها در شهرهای بزرگ کردستان و حمایت گسترده‌تر کشورهای بیگانه از آنها از ریشه‌دوانیدن آنها جلوگیری شود. ...

این مسئله که برون‌رفت از شرایط سخت سیاسی - نظامی آن زمان جز با ایثار و جان‌فشانی نصرت‌زاد میسر نبود در اعتراف‌گونه‌های قاتلان او نیز مشهود است. تحلیل‌های بعدی فرمانده کل نظامی کومه‌له نشان می‌دهد حرکت دادن ستون توسط نصرت‌زاد (به‌مثابه زمینه‌های ورود سایر نیروهای انقلابی در صحنه) چهره اردوگاه خودی را از انفعال به فعال تغییر و ضعف‌های خودی را به اردوگاه مقابل انتقال داد. ...

می‌توان گفت در کمینگاه جاده قشلاق، گروه‌های مسلح غیرقانونی فقط از بابت گذشته و حال از نصرت‌زاد انتقام نمی‌گرفتند، بلکه به لحاظ آینده‌ای که پیش روی آنها قرار گرفته بود نیز بغض و کینه‌شان را خالی کردند.

درواقع با صبر و درایت نصرت‌زاد و سایر مدافعان انقلاب اسلامی بعد از او گروه‌ها به‌خاطر مقاومت کور در برابر جمهوری اسلامی بی‌آینده شدند و این دستاورد کمی نبود که مهاجمان مسلح به‌راحتی از آن عبور کنند... نصرت‌زاد در آخرین لحظاتی که در محاصره مهاجمین زیر رگبار گلوله و آتش خمپاره آنها قرار داشت و فقط به‌همراه یکی دو نفر مجروح منتظر شهادت بود، همان روحیه و عکس‌العمل را از خود نشان داد که در جریان صلح تحمیلی طی چهار ماه قبل از آن در سنندج از خود بروز داده بود. او چون هیچ مشروعیت و اعتباری برای عناصر مسلح گروه‌ها قائل نبود و از باج‌خواهی گروه‌ها و باج‌دهی به آنها در رنج و مشقت روحی به سر می‌برد، از اولین روز خروج اجباری سپاه پاسداران از کردستان و سنندج به‌نحوی از انحا و بدون هیچ ترس و واهمه‌ای این اعتقاد و برداشت خود را به ظهور می‌رساند. در آن روزی که پاسدارها غریبانه و گریان هریک کوله‌پشتی خود را به دست گرفته به‌طرف هلیکوپتر می‌رفتند... نصرت‌زاد یکسره به بچه‌های پاسدار پیوست و یک‌یک آنها را در آغوش گرفت. با این کار کمی از شدت اندوه آنها کاسته شد. حداقل یک نفر بود که از رفتن آنها خوشحال نبود...^{۷۸}

علائم و آثار موجود روی بدن شهید سرهنگ نصرت‌زاد، نشانگر این بود که وی هنگام اسارت به شدیدترین وجه شکنجه شده، به‌طوری‌که گردن، فک و شانه او زیر لگد خرد شده بود. مهاجمین پس از دادن شکنجه‌های فراوان او را به شهادت رسانده و جنازه شهید را در بیابان‌های سنندج رها کردند... ستیزه‌جویان کومه‌له به آن همه آزار و اذیت و کشتن سبعانه ایرج نصرت‌زاد که در زمان شهادت لباس اسارت به تن داشت اکتفا نکردند و پیکرش را در روز بعد درحالی‌که سر و دست او از عقب خودروی وانت آویزان شده بود در میان شهر گرداندند و به این شکل به سرور و قدرت‌نمایی پرداختند، غافل از آنکه انعکاس این خبر و تشدید هجمه‌های جسورانه مهاجمین به مراکز مهم سنندج، انگیزه‌های دفاع و مقابله با آشوبگران را در تهران برانگیخت و سرآغاز تصمیمات امنیتی جدیدی در منطقه سنندج و کل ناحیه کرد نشین ایران گردید...^{۷۹}

طبق یک گزارش دیگر عناصر ضدانقلاب، همچنین بلوز سرتیپ نصرت‌زاد را بر روی چوب دستی آویزان کرده و در خیابان‌های شهر به گردش درآوردند تا به‌زعم خود روحیه مردم را تقویت کنند.^{۷۸} در گزارش دیگری از کتاب آمده است: «فرمانده ضدانقلاب خم شد و چانه نصرت‌زاد را گرفت و فشار داد و گفت در چه حالی فرمانده؟ مرا می‌شناسی؟ من سرتیپ یحیوی، یادت می‌آید؟ نصرت‌زاد آب دهانش را گرد کرد و به‌صورت یحیوی انداخت. نشست کنار نصرت‌زاد و گفت ببین سرهنگ، من و تو نان‌ونمک شاهنشاه را خورده‌ایم. اشتباه کرده‌ای، گولت زده‌اند، مغزت را شستشو داده‌اند، باشد قبول دارم. اگر به سربازهای پادگان بگویی دست از مقاومت بردارند و تسلیم شوند به شرافتم قسم می‌خورم خودت و خانواده‌ات را صحیح‌وسالم بفرستم به یک کشور اروپایی.

- تو از شرافت حرف می‌زنی نمک‌به‌حرام؟ تویی که به کشور و مردمت خیانت می‌کنی! من هم قسم خورده‌ام تا آخرین قطره خونم از کشورم دفاع کنم.

یحیوی بلند شد. لگدی به شکم خونی نصرت‌زاد کوبید و رو به جوانک گفت کارش را تمام کن. نصرت‌زاد گفت مرا بکش فقط بگذار وصیتم را به سربازانم بگویم. یحیوی تف کرد رو به زمین و گفت حیف از تو. حیف از تکاوری مثل تو! بی‌سیم آوردند. نصرت‌زاد گوشی را گرفت: عقاب، عقاب، عقاب، شاهین! عقاب به گوشم. من سرهنگ ستاد ایرج نصرت‌زاد در آخرین لحظات عمر سربازی خویش چند نکته برای هم‌زمانم وصیت می‌کنم...»^{۷۹}

ضمیمه گزارش ۵۰۴: بروزهایی از شیوع خبرهای مربوط به کودتا در داخل و خارج کشور

اخیرا بعضی گروه‌های اسلامی طرف‌دار نظام (از جمله سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) هشدارهایی به ارتشی‌های مؤمن به انقلاب داده‌اند و شواهدی بر طرح‌ریزی یک کودتا در محافل مختلف و نیز در منابع حزب توده ابراز می‌شود. در خارج کشور نیز این قضیه رسانه‌ای شده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه از لندن، هفته‌نامه *ساندی تایمز* (چاپ لندن) در شماره امروز خود نوشت: تبعیدی‌های ایران در فرانسه، انگلیس و امریکا درصدد توطئه‌ای برای برقراری رژیم سلطنتی و به‌وجودآوردن یک حکومت نظامی مرکب از ۷ ژنرال در ایران هستند. این توطئه را ارتشبد غلامعلی اویسی طرح‌ریزی کرده است و تاکنون در حدود ۷ هزار افسر به وی پیوسته‌اند. مخارج این توطئه از جانب چند کشور عربی مثل عربستان سعودی، عراق و مصر و همچنین چند کمپانی صنعتی تأمین می‌شود و هدف آن اشغال ایران از طریق عراق و به‌دست‌گرفتن کنترل کشور توسط

یک نیروی ۹۰ هزار نفری می‌باشد. چند تن از این تبعیدیان اعلام کرده‌اند که این عمل ضدانقلابی بسیار خونین خواهد بود و به‌ویژه هدف از این کار سرکوبی کمونیست‌ها است. پاریس نقطه مرکزی این هماهنگی تبعیدیان ایرانی است و اخیراً مبالغه‌ناگفتی توسط بازرگانان ایرانی، اعضای خانواده شاه مخلوع، کشورهای غربی و حتی کشورهای افریقای جنوبی و اسرائیل به پایتخت فرانسه سرازیر شده است.^{۸۰}

رادپو لندن نیز این گزارش را در بخش فارسی خود بازگو کرد و افزود: «اما سؤال اینکه اینها چرا آشکارا از طرح خود سخن می‌گویند آنها دلیلشان این است که می‌خواهند حمایت دیپلماتیک و معنوی ممالک غربی را به دست آورند. مرکز اصلی مخالفت با حکومت آیت‌الله خمینی شهر پاریس است که شاپور بختیار آخرین نخست‌وزیر رژیم شاه و ژنرال آریانا یکی از فرماندهان ارتش سابق ایران در آن اقامت دارند. هفته گذشته شاپور بختیار در خانه خود در پاریس که به شدت تحت محافظت قرار دارد گفت که با گروه مزبور تماس داشته و ژنرال اویسی را ملاقات کرده است، اما همکاری خود را با او به کلی تکذیب کرد. در مقاله ساندی تایمز چنین آمده است که این گروه به حمایت بختیار نیاز دارند و او ظاهراً حاضر است با آنان همکاری کند هرچند در برخی موارد با آنان مخالفت‌هایی داشته باشد.»^{۸۱}

منابع و مأخذ روزشمار ۱۳۵۹/۲/۲۸

۱. روزنامه بامداد، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۱.
۲. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۶۱، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۳، بخش فارسی رادیو لندن، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۳. همان، ص ۳، ناپل - خبرگزاری فرانسه، ۱۸ مه ۱۹۸۰ (۱۳۵۹/۲/۲۸).
۴. همان، ص ۱۸، بخش عربی رادیو مونت کارلو، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۵. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۱۲.
۶. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۱۲.
۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۲.
۸. روزنامه بامداد، ۱۳۵۹/۲/۳۰، صص ۱ و ۳.
۹. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۶۲، ۱۳۵۹/۲/۳۰، ص ۶، بخش فارسی رادیو اسرائیل، ۱۳۵۹/۲/۲۹.
۱۰. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۳۰، ص ۱۰.
۱۱. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۶۲، ۱۳۵۹/۲/۳۰، ص ۶، بخش فارسی رادیو اسرائیل، ۱۳۵۹/۲/۲۹.
۱۲. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۶۱، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۲، بغداد - خبرگزاری فرانسه، ۱۸ مه ۱۹۸۰ (۱۳۵۹/۲/۲۸).
۱۳. سند شماره ۳۴۷۴۴۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ستاد لشکر ۹۲ زرهی (رکن ۲) به استناداری خوزستان (معاونت سیاسی - انتظامی)، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۱۴. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۴.
۱۵. سند شماره ۳۴۷۴۴۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از شهربانی خوزستان (هواز) به استنادار خوزستان، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۱۶. سند شماره ۰۴۱۳۹۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن‌گرام ۳ سماجی (مرکز فرماندهی) به نزاجا (معاونت اطلاعات و عملیات)، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۱۷. سند شماره ۴۰۲۴۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از کرمانشاه (اطلاعات) به تهران، ۱۳۵۹/۳/۲۹.
۱۸. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۱.
۱۹. سند شماره ۰۰۰۶۸۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از گارد ساحلی ژاجا (رکن ۳) به فرماندهی منطقه سوم دریایی، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۲۰. سند شماره ۳۴۰۳۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران (اداره مرزبانی) به وزارت امور خارجه (اداره اول سیاسی)، ۱۳۵۹/۳/۱۱.
۲۱. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۸، صص ۱ و ۱۲.
۲۲. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۱۲.
۲۳. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، هفته‌نامه کار، شماره ۵۹، ۱۳۵۹/۲/۳۱، ص ۱۵.
۲۴. سند شماره ۱۱۳۲۸۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی معاونت عملیات و اطلاعات نزاجا، شماره ۳۷، از ۱۳۵۹/۲/۳۰ تا ۱۳۵۹/۲/۳۱، ص ۲.
۲۵. سند شماره ۵۷۵۰۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی معاونت عملیات و اطلاعات نزاجا، شماره ۳۶، از ۱۳۵۹/۲/۲۸ تا ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۱.
۲۶. سند شماره ۰۴۱۳۹۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن‌گرام از سپاه (مرکز فرماندهی) به سماجی (مرکز فرماندهی)، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۲۷. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۱.
۲۸. سند شماره ۱۱۳۲۸۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۲.
۲۹. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۲.
۳۰. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۱۱.
۳۱. همان.
۳۲. سند شماره ۳۰۷۶۲۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ:

۵۳. روزنامه *انقلاب اسلامی*، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۱۱.
۵۴. جبهه ملی ایران، نشریه پیام جبهه ملی، شماره ۱۷، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۱.
۵۵. روزنامه *انقلاب اسلامی*، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۳.
۵۶. حزب رنجبران ایران، نشریه رنجبر، شماره ۵۳، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۱.
۵۷. نشریه *عدالت*، شماره ۵۱، ۲۳ تا ۲۳/۳۰/۱۳۵۹، ص ۲.
۵۸. حزب رنجبران ایران، نشریه رنجبر، شماره ۵۲، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۲.
۵۹. سند شماره ۰۴۱۴۱۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از اصفهان به تهران (فرماندهی)، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۶۰. سند شماره ۰۴۱۴۱۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از اصفهان به تهران (عملیات)، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۶۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۶.
۶۲. روزنامه *کیهان*، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۳.
۶۳. روزنامه *انقلاب اسلامی*، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۳.
۶۴. روزنامه *کیهان*، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۳.
۶۵. روزنامه *جمهوری اسلامی*، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۶.
۶۶. همان.
۶۷. روزنامه *انقلاب اسلامی*، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۳.
۶۸. روزنامه *جمهوری اسلامی*، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۶.
۶۹. همان.
۷۰. روزنامه *کیهان*، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۳.
۷۱. روزنامه *جمهوری اسلامی*، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۶.
۷۲. روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۱۲.
۷۳. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره)، *صحیفه امام* (مجموعه آثار امام خمینی^(ره))، جلد ۱۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم ۱۳۸۹، صص ۳۰۳ و ۳۰۴.
۷۴. روزنامه *کیهان*، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۳.
۷۵. *صحیفه امام*، پیشین، صص ۳۰۵ و ۳۰۶.
۷۶. *صحیفه امام*، پیشین، ص ۳۰۶.
۷۷. مجید نداف، ۲۳ روز حماسه و ایثار در سنندج، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷.
۷۸. همان، صص ۱۳۱ - ۱۲۷.
۷۹. همان، ص ۱۷۰.
۸۰. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۶۲، ۱۳۵۹/۲/۳۰، صص ۲ و ۳، لندن - خبرگزاری فرانسه، ۱۸ مه ۱۹۸۰ (۱۳۵۹/۲/۲۹).
۸۱. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۶۱، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۴، بخش فارسی رادیو لندن، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
- از واحد مخابرات به فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خراسان، ۱۳۵۹/۳/۱۲.
۳۳. روزنامه *انقلاب اسلامی*، ۱۳۵۹/۲/۲۹، ص ۲.
۳۴. سند شماره ۴۱۴۱۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از وزارت کشور به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۳۵. روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۲.
۳۶. روزنامه *انقلاب اسلامی*، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۲.
۳۷. روزنامه *جمهوری اسلامی*، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۵.
۳۸. سند شماره ۰۴۱۴۱۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن گرام از سپاه کرمانشاه به تهران، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۳۹. سند شماره ۳۴۶۳۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ژاجا (رکن ۳ - مرکز فرماندهی) به دفتر ریاست جمهوری، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۴۰. سند شماره ۴۱۴۰۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ژاندارمری (رکن ۳ - مرکز فرماندهی) به دفتر ریاست جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۴۱. سند شماره ۰۴۱۴۱۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.
۴۲. سند شماره ۰۴۱۴۰۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن گرام از سپاه (مرکز فرماندهی) به سماجا ۳ (مرکز فرماندهی)، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۴۳. سند شماره ۰۴۱۳۹۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن گرام از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا (معاونت عملیات و اطلاعات)، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۴۴. سند شماره ۴۱۴۰۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.
۴۵. روزنامه *انقلاب اسلامی*، ۱۳۵۹/۲/۲۸، ص ۱۱.
۴۶. سند شماره ۰۴۱۴۰۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ژاجا (مرکز فرماندهی) به دفتر ریاست جمهوری، ۱۳۵۹/۲/۲۸.
۴۷. سند شماره ۱۱۳۲۸۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۲.
۴۸. سند شماره ۰۴۱۵۱۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از شاجا به وزارت کشور، ۱۳۵۹/۲/۳۰.
۴۹. سند شماره ۴۱۵۲۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ژاجا (رکن ۳ - مرکز فرماندهی) به دفتر ریاست جمهوری، ۱۳۵۹/۲/۲۹.
۵۰. سند شماره ۴۱۴۵۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ژاجا (رکن ۳ - مرکز فرماندهی) به دفتر ریاست جمهوری، ۱۳۵۹/۲/۲۹.
۵۱. روزنامه *کیهان*، ۱۳۵۹/۲/۳۰، ص ۱۱.
۵۲. سند شماره ۰۴۱۴۱۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران (رکن ۳ - دایره عملیات) به دفتر ریاست جمهوری، ۱۳۵۹/۲/۲۸.